

# جنبش کارگری در سال ۷۷

خود، در ابعادی وسیع و گسترده به میدان آمدند و به مبارزه و اعتراض دست زدند. بررسی دقیق تر این مطالبات و اشکال مبارزاتی کارگران وارائه یک تحلیل از جنبش کارگری در سال گذشته، قبل از هر چیز مستلزم ارائه یک ارزیابی از شرایط جامعه ای است که جنبش کارگری بربست آن دوام و حیات یافته است. از این‌رو، ضروریست تا مقدمتاً نگاهی ولو به اختصار، به مختصات عمومی شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه در سال گذشته بیاندازیم.

صفحه ۳

جنبش کارگری، در سال ۷۷ نیز فراز و فرودهای زیانی را از سرگرداند. طبقه کارگر بویژه از تاحیه فشارهای اقتصادی کمرشکنی که سرمایه داران بر گردد او تحمیل کردند، سال بس دشواری را پشت سرگذاشت. برغم تعریض و شبیخون آشکار سرمایه داران و دولت آنها به زندگی و معیشت کارگران، برغم مشکلات و موانع عدیده ای که بر سر راه مبارزات کارگری ایجاد کردند، مبارزات کارگری در یک سال گذشته نیز در اشکال و شیوه های مختلف و متعددی ادامه یافت و کارگران برای دست یابی به مطالبات

## بورژوازی خوب و بد

و تلاش برای درهم ریختن مردم  
نیروهای انقلاب و ضد انقلاب!

بحرانی که ارکان رژیم جمهوری اسلامی را به لرزه درآوردند است، دم به دم تشید می‌شود. نارضایتی و اعتراض توهدی ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد. با گذشت هر روز، توهد وسیع تری از مردم به مبارزه علی و رو در روی با جمهوری اسلامی روی می‌آورند. درین همین اوضاع، تضادها و کشمکش جناح های هیئت حاکم نیز چنان رسیدکرده که به شکافی عمیق درستگاه دولتی انجامیده است.

این واقعیت‌هاشان میدهد که بحران به مرحله قطعی رشد و ورسيديگي خود نزديکتر ميشود و توأم با آن لحظه انقلاب نيز نزديکتر ميگردد.

دراین شرایط وظیفه بسیارمهمی که دربرابر انقلابیون کمونیست قرارمیگیرد دفاع همه جانبی از استقلال طبقاتی کارگران، ترسیم خط مرزهای کاملاً صریح و

روشن میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و تلاش برای تامین هژمونی طبقه کارگر جنبش انقلابی است.

تاکید بر این مساله به ویژه از آن روی اهمیتی دو چندان می‌باید که در ایران دو نبرد در جریان است که به لحاظ ماهیت، اهداف و ترکیب نیروهای ایشان با

یکیگر تفاوت دارند. یکی مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داران و نظام طبقاتی سرمایه داری و برای سوسیالیسم و دیگری مبارزه عمومی مردم برای کسب آزادی ها و حقوق دمکراتیک. همانگونه که مبارزه همگانی مردم در جریان انقلاب علیه رژیم شاه نشان داد، عدم تحقق مطالبات آزادی خواهانه و دمکراتیک مردم باعث میگردد که با آغاز انقلاب توده وسیعی از مردم برای تحقق مطالبات خود به انقلاب و جنبش سرنگونی رژیم بپیوندد. این پیوستن اشماره سیعی از توده مردم به انقلاب، در عین حال که قدرت اردوی انقلاب را علیه ضد انقلاب تقویت می‌کند، مخصوص این خطر نیز هست که توده طبقه کارگر در جنبش دمکراتیک و همگانی حل شود، به زائد جنبش بورژوازی تبدیل گردید و نتیجه تاکل انقلاب و اهداف آن نیز باشکست روبرو شوند. تجربه انقلاب گذشته و شکست آن، این واقعیت را به همه انقلابیون کمونیست ایران نشان داد که چگونه در غایب صفت و سیاست مستقل طبقه کارگر و درهم ریختگی مردم نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، توده طبقه کارگر در جنبش همگانی و عموم خلقی حل شود و چگونه به علت همین ضعف، ضد انقلاب بورژوازی و مذهبی رهبری جنبش را بدست گرفت. آن را مهار کرد و سرانجام انقلاب را سرکوب نمود. برغم این که طبقه کارگر ایران یکانقلاب و شکست آن را تجربه کرده و در سهای زیادی دراین مدت آموخته است، معهداً خطری که

صفحه ۴

## در این شماره

|    |                            |
|----|----------------------------|
| ۱۶ | یادداشت‌های سیاسی          |
| ۱۳ | اطلاعیه های سازمان         |
| ۹  | خبری از ایران              |
| ۱۱ | اخبار کارگری جهان          |
| ۱۵ | جنبه هایی از پیشنهاد       |
| ۷  | جنگ اخیر در یوگسلاوی       |
|    | گزیده ای از نامه های رسیده |

و پوچی این ادعاهای استناد به این واقعیت روشن میگردد که توده ناآگاهی که گویا باید با این افشاگریها، آگاه و مدایت شوند، در این میان غایب‌اند. آنها در جلسات چند نفره‌ای که تشکیل میدهند، بجز خودشان که همه‌عناصری با مواضع مشخص هستند با کس دیگری سروکاردارند. نه تنها توده‌مردم از این مباحثات و افشاگریها بی‌خبرند، بلکه حتی دور و بري های خودشان هم خبر نمی‌شوند. این واقعیت نیز نشان میدهد که ادعای این جریانات در مورد افشاگری پوچ و بی‌پایه است. هدف همانا در هم ریختن مرز نیروهای انقلاب و ضدانقلاب و آماده کردن زمینه برای سازش‌ها و اتحادهای آتی با بورژوازی است.

اپورتونیسم تنها در شکل‌وشمایل توده‌ای آن وجود ندارد، اپورتونیسم اشکال مختلفی به خود می‌کیرد، و این هم نوع دیگری از اپورتونیسم و تلاش برای سازش با بورژوازی است.

جریانات رادیکال و انقلابی کمونیست باید این سیاست اپورتونیستی و سازشکاراندرا بی‌رحمانه افشا کنند. براین حقیقت باید تاکید شود که بورژوازی در کلیت آن یک نیروی ارتقای و ضد انقلابی است، چیزی به نام بورژوازی خوب و بد وجود ندارد و این یک ابداع اپورتونیستی است. معیار ماندانقلابیون کمونیست و دماغه‌نیست، منافع طبقه کارگر، نه خوب و بد بودن بورژوازی بلکه نیروی مدافع و مخالفانقلاب، نیروی مدافع و مخالف طبقه کارگر است. هم‌افراد، گروههای دستجات، احزاب و طبقاتی که مخالفانقلاب و علیه طبقه کارگراند، مرجع و ضدانقلابی هستند. تفاوتی هم نمیکند که این مخالفانقلاب و دشمن طبقه کارگر رضاو فرج پهلوی باشدیا داریوش همایون و مهناز افخمی، خامنه‌ای و خاتمی باشد یا شیرین عبادی و مهرانگیز کار، جبهه ملی و نهضت آزادی باشد یا مجاهدین خلق.

روشن است که با رشد و گسترش بحران و نزدیک شدن لحظه‌انقلاب، جریانات اپورتونیست و بورژوازی تلاش خواهند کرد، مرز انقلاب و ضدانقلاب را درهم بریزند، با بورژوازی سازش کنند، توده‌طبقه کارگر را به حل شدن در جنبش بورژوازی سوق دهند. در مقابل، ما کمونیستها، ما طرفداران انقلاب و استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان، این سیاستهای بورژوازی را پیگیرانه افشا می‌کنیم، پرچم دفاع از استقلال طبقاتی کارگران رادراهتران نکهیداریم و بی‌اعتمادی به همه جناح‌های بورژوازی را به کارگران می‌آموزیم.

و اکثریتی‌ها را کنار بگذارند. به عنوان نمونه آنها

اشاره میکنند که بورژواهای بدآدمهای امثال خاتمی هستند و بورژواهای خوب، چاکران مرجع خاتمی امثال شیرین عبادی و مهرانگیز کار. برهمن متوال بورژواهای بد آدم های مثل فرج پهلوی هستند و بورژواهای خوب، سلطنت طلبان مرتعی امثال مهناز افخمی. پس باید حساب این بورژوازی خوب را از بورژوازی بد جا کرد. استدلالشان هم این است که بهر حال فرق است میان آدمهای مثل شیرین عبادی، مهرانگیز کار و مهناز افخمی با خاتمی و فرج و رضا پهلوی. با این بورژواهای خوب و نازنین می‌شود نشست و برخاست کرد، میتوان اجلال‌مشترک تشکیل دادو حتی با آنها بر سر مطالبات معین متعدد شد. چرا که آنها هرچند بورژواهای مرتعی و ضدانقلابی سلطنت و طرفدار جمهوری اسلامی هستند، معهداً گویا از حقوق کوک دفاع می‌کنند و در همان حدی که خانم فائزه هاشمی از "حقوق زنان دفاع می‌کند، آنها نیز مدافعان حقوق زنان هستند. لذا باید آنها به عنوان گروهی، دسته ای و جناحی از بورژواهای خوب مجزا کرد.

در همین حال جماعت‌بیگری می‌گردد تشکیل میدهند و هدف خود را ایجاد صلح و صفا، جو تقام و دیوالگ میان تمام جریانات از سلطنت طلب گرفته تاجمهوری خواه، واز اکثریتی و توده‌ای تا چپ‌های کمونیست و دمکرات، قرار میدهند. هدف تمام‌دستجات یکی است و آن درهم ریختن مرز میان نیروهای انقلاب و ضدانقلاب و بهره‌گیری از این اوضاع برای کنار آمدن و سازش با بورژواهای خوب، "رفرمیست" و "لیبرال". اینان البته نمی‌پذیرند که این سیاست، سیاستی بورژوازی و سازشکاراند است، بلکه از جمله مدعی هستند که میخواهند از این طریق جریانات بورژوازی را افشا کنند. اما این ادعا حقیقت‌امسخره است. توده‌های مردم ایران نظام سلطنتی را با قیام مسلحه برانداختند و حالا کسانی پیدا شده اند که می‌گویند، ما با سلطنت طلبان اجلال‌مشترک تشکیل می‌دهیم تا آنها را افشا کنیم. توده‌های مردم ایران مدت‌هاست که ماهیت‌سترا پا ارتقای و ضدانقلابی هستند، اسلامی و تمام طرفداران ریزودرست آن را شناخته اند، حالا برخی‌ها میخواهند با متحدهین دست دوم خاتمی‌جلاد‌تشکیل‌دهندو آن‌هارا افشا کنند. کارگران و زحمتکشان ایران سال‌هاست که خیانتهای بی‌انتهای حزب توده‌ها و اکثریت و هم‌دست آن‌هارا بازیم جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب و انقلابیون، می‌شناختند و با آنها مقابله ای جدی کرد تا این بار نیز از کنترل این جناح خارج شود و مردم به انقلاب رونمایند، اینان به عنوان کسانی که گویا با حکومت اسلامی مخالف داشتند، تلاش خواهند کردند از این‌جهاتی و بورژوازی داخلی و بین‌المللی و ادعاهای آزادی‌خواهانه و وعده و وعید به مردم، جنبش انقلابی توده‌ای را مهار کنند و انقلاب را به شکست کشانند.

بنابراین در شرایطی که بحران سیاسی عمیق ترمیشود، و لحظه فرار سینه‌انقلاب نزدیک‌تر می‌گردد، باید دقیقاً این‌خطراتی که جنبش کارگری و انقلاب را تهدید می‌کند، شناخت و با آنها مقابله ای جدی کرد تا این بار نیز انقلاب به دست مرجعین سرکوب نشود.

## بورژوازی خوب و بد و قلاش برای درهم ریختن مزد نیروهای انقلاب و ضد انقلاب

گذشته وجود داشت، امروزهم در آستانه یک انقلاب جدید وجود دارد. چراکه امور روزهم علاوه بر طبقه کارگر توده و سیپی از اقسام خوده بورژوازی برای تحقق مطالبات آزادی خواهانه، دمکراتیک و رفاهی خویش به مبارزه علیه رژیم برخاسته و تردیدی نیست که در جریان انقلاب نیز حضور خودرا در جنبش حفظ خواهد کرد. این مشارکت اقشار خوده بورژوازی غیر پرولتر در جنبش برای سرکونی جمهوری اسلامی، این خطر بالقوه را با خود دارد که اولاً توده طبقه کارگر در جنبش عمومی آزادی خواهانه دمکراتیک حل گردد و ثانیاً چنانچه طبقه کارگر تواند هربری این نیروی خوده بورژوازی را به دست بگیر، به علت نوسان ذاتی این نیرو، به سمت بورژوازی جلب شود. و بدین‌طريق یک بار دیگر بورژوازی رهبری خود را بر جنبش ثبتیت کند و آنرا به شکست بکشاند. این خطر از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که در ایران به علت حاکمیت‌دیکتاتوری عربیان و برقراری حکومت‌مدھی، بخشش‌های از بورژوازی که ماهیت‌ضدانقلابی هستند، از حاکمیت کنار نهاده شده و در موضع اپوزیسیون قرار گرفته‌اند. مساله هم تنها به اینجا ختم نمی‌شود که در موضع اپوزیسیون قرار دارند، بلکه مدعی آزادی خواهی نیز هستند. درست است که این جریانات همانا از ترس انقلاب و توده کارگر و زحمتکش، امرزه تمام نیروی خود را برای حمایت و پشتیبانی از یک جناح حکومت به رهبری خاتمی پسیج کرده و تمام اید خود را به پیروزی وی بسته‌اند، اما اگر اوضاع از کنترل این جناح خارج شود و مردم به انقلاب رونمایند، اینان به عنوان کسانی که گویا با حکومت اسلامی مخالف داشتند، تلاش خواهند کردند از این‌جهاتی و بورژوازی داخلی و بین‌المللی و ادعاهای آزادی‌خواهانه و وعده و وعید به مردم، جنبش انقلابی توده‌ای را مهار کنند و انقلاب را به شکست کشانند.

بنابراین در شرایطی که بحران سیاسی عمیق ترمیشود، و لحظه فرار سینه‌انقلاب نزدیک‌تر می‌گردد، باید دقیقاً این‌خطراتی که جنبش کارگری و انقلاب را تهدید می‌کند، شناخت و با آنها مقابله ای جدی کرد تا این بار نیز همانگونه که در آغازگفتۀ شد، را مقابله با این خطرات نیز مقدم بر هرچیز تاکید هرچه بیشتر بر استقلال طبقاتی کارگران، مجزا ساختن صفو‌سیاست طبقه کارگر از تمام طبقات و اقشار، ترسیم خط مرزهای شفاف تر میان نیروهای انقلاب و ضدانقلاب، افسای هرچه بیشتر جریانات بورژوازی و ادعاهای آنها، وبالآخره افشا پیگیرانه جریاناتی است که میکوشند مرز نیروهای انقلاب و ضدانقلاب را در مردم ببریزند و مخدوش‌کنند. براین نکته آخر تاکید بیشتری می‌کنیم، چراکه امروز برخی از جریانات که در حرفاز کمونیسم و کارگر هم سخن می‌گویند، در تلاش اند صف انقلاب و ضدانقلاب را بایان می‌کنند. اینان که در مورد بورژوازی خوب و بد درهم ببریزند، اینان که در مرحله کنونی، سیاست اتحاد با بورژوازی را راز طریق سازماندهی کفرانس‌ها و میزگردها پیش می‌برند، ادعا می‌کنند که کمونیستها با یاد در سیاستهای گذشته خود تجدید نظر نمایند، میان بورژوازی بد و بورژوازی خوب تفاوت قائل شوندوایض‌سیاست با یکوت حزب توده



### حق اعتصاب و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری باید به رسمیت شناخته شود

رژیم جمهوری اسلامی توأم با سلب آزادیهای سیاسی مردم ایران، حق اعتصاب و تشكیل مستقل را نیز از کارگران سلب نموده است. سازمان فدائیان اقلیت خواهان آن است که بladرنگ حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود.

**مرگ بر نظام سرمایه داری - مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**کار - فان - آزادی - حکومت سورائی**

# جنبش کارگری در سال ۷۷

گردن و حتی عملی شدن این تهدیدها توسط وزارت اطلاعات و امنیت و عمال سرکوب رژیم، از قبیل آلم ربائی‌ها، حمله به مطبوعات و بالاخره کشتار فجیع نویسنده‌گان و مخالفین برای ایجاد جورعب و هراس در جامعه و خفه کردن آن کار ساز نشد که بماند حتی نتایج معکوسی هم به بار آورد و جنبش‌های اعتراضی توده‌ای را دامن زد. روشن است که جنبش کارگری، نمی‌توانست از مجموعه این معادلات و از چنین فضا و شرایطی بلکه برکاربماند و از آن تاثیر نگیرد.

برمتن این شرایط سیاسی و اقتصادی است که جنبش کارگری دریکسال گذشته گامهایی به پیش برداشته و کارگران برای تحقق مطالبات خویش دست به مبارزه زده اند. در کتاب این شرایط اگر محرومیت کارگران از اتحادیه‌ها و تشکلهای مستقل کارگری را نیز درنظر بگیریم و فدان یک جریان چپ کارگری قوی و اثرگذار که بتواند در سازماندهی، هدایت و رهبری سیاسی مبارزه کارگری نقش موثر و معنی داری ایفا کند را بآن اضافه کنیم، آنوقت به تجسم واقعی تروعینی تراز شرایط مبارزه کارگری نزدیکتر شده ایم.

## مطالبات کارگری

حقیقت آن است که کارگران در سال گذشته شرایط بسیار سخت و دشواری را ازسر گذراندند. تهاجم وسیع و همه جانبی‌های را که سرمایه داران و دولت شان علیه کارگران تدارک دیده بودند و تعرض آنان به شرایط کار، زندگی و معیشت کارگری، طبقه کارگر را در موقعیت بسیار دشواری قرار داد و محدودیت‌های معنی برسرهای مبارزات کارگری ایجاد گردید. تعطیل و توقف کارخانه‌ها، اخراج‌های جمعی، بیکارسازی های وسیع، رواج و استفاده از قراردادهای وقت، بازخرید کارگران، عدم پرداخت به موقع دستمزدها که تماماً "تسنید فشار کار و استثمار کارگران را دریبی داشت، همه و همه مستقیم و بیواسطه یا غیر مستقیم، اثرات منفی و کاهنده‌ای بر جنبش مطالباتی کارگران بر جای گذاشت. اکر چه کارگران از همان ابتدای این تهاجم گسترده سرمایه داران دربرابر آن واکنش نشان دادند و علیه آن به مبارزه برخاستند و حتی بخش‌های وسیعی از کارگران در راستای پیشوپهای خود و به منظور عقب راندن کارفرمایان و سرمایه داران، مطالباتی تغییر اتفاق قرار داد های دسته نشسته افتخار کارگران، عدم پرداخت دستمزدها متناسب با ترخ تورم، اجرای طرح طبقه بنده مشاغل و نظری آن را به میان کشیدند، اما خواست های عمومی تری که در این شرایط تحمیلی ضرورتاً به صدرخواست یک اکثریت قابل توجهی از کارگران نقل مکان کرد، اساساً ناظر بر لاش کارگران برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع و در مقابله با خانه خرابی بیشتر بود. جدول شماره یک، (\*) فراوانی عده ترین مطالباتی را که کارگران در سال گذشته مطرح نموده و برای آن مبارزه کرده اند، برحسب تعداد و درصد، نشان می‌دهد. همانطورکه در این جدول نیز نشان داده شده است، یکی از خواستهای عده کارگران در سال گذشته، پرداخت حقوق و مزایاری عقب افتاده بوده است. این خواست که قبل از هرچیز باز تاب اعمال زورو تشید فشار سرمایه داران برکارگران است و به تنهایی در برگیرنده ۳۳ درصد مطالبات کارگران بوده است، در درجه اول ازسوی کارگران مشغول به کار و بعد هم در واحدهایی که به صورت نیمه

کارگری را به فقر و سیه روزی می‌انداخت، بلکه لطمات بسیار سنگینی را نیز بر طیقه کارگرو جنبش مطالباتی آن وارد ساخت. کار فرمایان و سرمایه داران از این شرایط بحرانی ورکرد، به حداقل، سو استفاده کردند. شیخ اخراج و بیکاری را بطور دائمی برقرار سرکارگران شاغل به چرخش درآورده و این حریه را بوفور علیه کارگران، مبارزات و مطالبات آنان بکار گرفتند. قراردادهای موقت کار، به شیوه رایج سرمایه داران تبدیل شد و در هر کجا که توanstند از این حریه نیز علیه کارگران و کل جنبش طبقه کارگر سود جستند. دهها هزار کارگر از طریق اجبار به امضای قراردادهای موقت، نه فقط بخش‌هایی از حقوق و مزایای خود را از دست دادند، بلکه اکنون کارفرمایی توانته باشند به هر یکی از فوراً کارگران را اخراج کنند. هزاران کارگر دیگر نیز بالاجبار خود را بازخرید کرده و کارخویش را از دست دادند. با این همه سرمایه داران و کارگرانی که این حد از تهاجم به زندگی کارگری و فشار برپوش طبقه کارگر اکتفا نکرددند و در بسیاری از موارد از پرداخت مستلزم کارگران نیز طفه رفتند و از پرداخت معموق حقوق و مزایای کارگرانی که تحت همین شرایط دشوار به کار مشغول بودند و حشیانه استثمار می‌شوند خودداری کردند و از این حریه نیز چون اهرمی برای فشار علیه کارگران و جنبش مطالباتی آنان سود جستند. پدیده عدم پرداخت به موقع دستمزدها که در ابتدا شامل این یا آن کارخانه و واحد تولیدی می‌شوند، به سرعت به یک پدیده عمومی و رایج در اغلب موسسات تولیدی تبدیل گردید. چند صد واحد تولیدی صنعتی و عمرانی متوقف گردید. چند تعطیل شده بود که اوائل مهر ماه دبیر کل خانه کارگر از تعطیلی قریب الوقوع ۳۹۸ واحد تولیدی دیگر خبرداد! روند تعطیلی و توقف کارخانه‌ها و مراکز تولید ادامه یافت. پیامد این اوضاع، قبل از هر چیز اخراج‌های دسته جمعی و بیکارسازی های وسیع کارگران بوده است. صدها هزار کارگر دیگر و به خیابان پرتاب شدند. صدها هزار کارگر دیگر در معرض اخراج و بیکاری قرار گرفتند. ازسوی دیگر علیرغم رکود صنعتی و تولیدی، نزد تورم با شتابی فزاینده سیر معودی پیمود، قیمت کالاهای و مایحتاج اولیه کارگران کارارا" افزایش یافت. در برابر آن، دستمزد واقعی کارگران وقدرت خردی آنها روز بروز کاهش یافت، و ضعیت مادی زندگی کارگران و خیم تر شد و سطح معیشت آنان به مراحل پائین تری تنزل نمود. علاوه براین دولت که بخششی زیادی از مراکز تولیدی و صنعتی را در اختیار داشته است با کسری شدید بودجه مواجه بود، بخش زیادی از درآمدات پیش بینی شده آن بویژه از محل فروش نفت بدليل کاهش قیمت آن، متحقق نشد و از لحظه مالی به ورشکستگی کامل دچار گردید. صدها طرح صنعتی و مرکز تولیدی که دولت از چرخاندن و اداره آن بازمانده بود، به سرمایه داران بخش خصوصی و اگذارگردید و در سایر مراکز تولیدی، "سیاست تغییر" را ادامه داد. در تمام طول یک سال گذشته، این سیاست‌ها تحت عنوان "صرفة جوئی" به مرحله اجرا گذاشته شد که عاقب آن بیکاری، بلاکلیفی کارگران و فشارهای مشدید بر دوش طبقه کارگر بوده است.

و اما آنچه را که اجمالاً در مورد اوضاع سیاسی می‌توان به آن اشاره کرد این است که در یک سال گذشته دور بی پایان کشمکش و نزاع میان چنگاهای حکومتی ادامه یافت و بیش از پیش تشدید گردید. بحران سیاسی و جنگ جناح‌ها وارد مراحل بسیار حاد تری شد. شکاف عمیقی که در میان حکومتیان دهان بازکرده بود، روز بروز ژرف تر و عمیق تر گردید. برمتن این اوضاع بحرانی و توانز قوای سیاسی که تضعیف جناح مسلط حکومتی و به یک اعتبار تضعیف کل رژیم در برابر مردم را رقم زده بود، جنبشهای اعتراضی و آزادیخواهانه سربرآورند. توهدهایی زحمتکش مردم که در کمین رژیم نشسته بودند، با جرات بیشتری زیان به اعتراض گشوده و در فریادهای آزادیخواهانه، حقوق لگد مال شده خود را طلب کردند. تمامی تلاش‌های رژیم برای پر کردن این شکاف عمیق، بی نتیجه ماند. مزید بر آن، تهدیدهای فرمانده سپاه به بربین زبان و قطع

## وضع اقتصادی و سیاسی

وضعیت اقتصادی بی‌تردید یکی از عرصه‌هایی است که جنبش کارگری از آن تأثیر می‌پذیرد و گاه در سمت و سوداگران خواسته‌های کارگری نقش بسیار مهمی هم ایفا می‌کند. اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی در سال ۷۷، از سال‌هایی قل از آن هم وخیم تر شد. در تمام طول یک سال گذشته، جمهوری اسلامی با یک بحران حاد اقتصادی روپرور بوده است. این بحران که از مدت‌ها قبل در تمام زوایا و بخش‌های اقتصادی نظام حاکم ریشه دواده است، در یکسال اخیر نیز بیش از پیش حدت یافته و ژرفای بیشتری بخود گرفت. مراکز صنعتی و موسسات تولیدی در یک رکود عمیق فورفتند و علیرغم لاش هایی که رژیم خصوصاً "جناح خانه" برای جذب سرمایه‌ها و بیرون رفت از این وضعیت بعمل آورد، روند تعطیلی و توقف کارخانه‌ها و مراکز تولیدی در ابعاد وسیع تر و گستردگه تر از گذشته ادامه یافت. صدها کارخانه و مرکز تولیدی و صنعتی در سراسر کشور، بلکه تعطیل شد. صدها موسسات تولیدی دیگر بصورت نیمه تعطیل درآمد و در بسیاری از کارخانه‌ها و مراکز تولیدی ظرفیت تولید کاهش یافت. هزاران طرح و پروژه صنعتی و عمرانی متوقف گردید. چند صد واحد تولیدی فقط در نیمه اول سال ۷۷ بلکه تعطیل شده بود که اوائل مهر ماه دبیر کل خانه کارگر از تعطیلی قریب الوقوع ۳۹۸ واحد تولیدی دیگر خبرداد! روند تعطیلی و توقف کارخانه‌ها و مراکز تولید ادامه یافت. پیامد این اوضاع، قبل از هر چیز اخراج‌های دسته جمعی و بیکارسازی های وسیع کارگران بوده است. صدها هزار کارگر دیگر و به خیابان پرتاب شدند. صدها هزار کارگر دیگر در معرض اخراج و بیکاری قرار گرفتند. ازسوی دیگر علیرغم رکود صنعتی و تولیدی، نزد تورم با شتابی فزاینده سیر معودی پیمود، قیمت کالاهای و مایحتاج اولیه کارگران کارارا" افزایش یافت. در برابر آن، دستمزد واقعی کارگران وقدرت خردی آنها روز بروز کاهش یافت، و ضعیت مادی زندگی کارگران و خیم تر شد و سطح معیشت آنان به مراحل پائین تری تنزل نمود. علاوه براین دولت که بخششی زیادی از مراکز تولیدی و صنعتی را در اختیار داشته است با کسری شدید بودجه مواجه بود، بخش زیادی از درآمدات پیش بینی شده آن بویژه از محل فروش نفت بدليل کاهش قیمت آن، متحقق نشد و از لحظه مالی به ورشکستگی کامل دچار گردید. صدها طرح صنعتی و مرکز تولیدی که دولت از چرخاندن و اداره آن بازمانده بود، به سرمایه داران بخش خصوصی و اگذارگردید و در سایر مراکز تولیدی، "سیاست تغییر" را ادامه داد. در تمام طول یک سال گذشته، این سیاست‌ها تحت عنوان "صرفة جوئی" به مرحله اجرا گذاشته شد که عاقب آن بیکاری، بلاکلیفی کارگران و فشارهای مشدید بر دوش طبقه کارگر بوده است.

مجموعه این اوضاع اقتصادی عملاً شرایط مادی و معیشتی بس دشوار و خامت باری را برای کارگران به دنبال داشت. موج وسیع بیکارسازی ها، نه فقط تعرض وسیع و همه جانبی به سطح زندگی و معيشت کارگران به منظور خالی کردن سفره آنان از نان خالی بود و میلیون‌ها کارگر و اعضاً خانواده‌های

و بیکارساخته و فضای نامنی برای اشتغال سایر کارگران و ادامه کاری شاغلین ابجات کرده بودند، توансنتد براین خواست مبرم و فوری تا حدودی، تاکید میکنیم تا حدودی مهار پرند و مانع از طرح بالفعل آن در ابعادی جامع تر و وسیع تر شوند و مطالبات فوری دیگری را برپیش مطالبات کارگران تحییل کنند. معهداً این خواست، توسط بخش های وسیعی از کارگران به میان کشیده شد و بویژه در ماههای آخر سال ابعادی گستردہ یافت.

در مرحله بعدی، مطالباتی چون بازگشت بکار، اعتراض به توقف کارخانه یا در واقع خواست ادامه کاری واحد تولیتی و استخدام رسمی، جزو خواستهای پرشمار کارگری بوده اند که این ها نیز تمام‌اً خصلت دفاعی دارند.

و اما علاوه بر خواست افزایش دستمزد ها که توسط بخش وسیعی از کارگران مطرح شده است، اجرای طبقه بنی مشاغل و انعقاد قراردادهای دسته جمعی کار نیز از جمله مهمترین مطالبات کارگری در یکسال اخیر بوده است. اگر چه مورد آخر، از جانب پیشروترين بخش طبقه کارگر یعنی توسط کارگران نفت مطرح شده است، اما این مسئله به خود خود حائز اهمیت بسیار زیادی است نه فقط از این بابت که در شرایط تعرض سرمایه داران، این خواست با قوت و پیکری مطرح و برای آن مبارزه شده است، بلکه بویژه از این بایت هم حائز اهمیت وقابل توجه است که نفتگران توائیتند تحت همین شرایط نیز حرکات اعتراضی هماهنگ و متحداهنگ را حول این خواست عمومی کارگران نفت سازمان دهند. تاکید براین مسئله از این جنبه مهم و ضروری است که این درست است که طرح مطالبات کارگری علی‌العلوم مستقیماً تحت تاثیر وضعیت و فشارهای اقتصادی و تعرض سرمایه داران قرارگرفته است اما نمونه مبارزات کارگران نفت ششان می‌دهد که درجه آگاهی و تشکل کارگران حتی اگر این تشكل شدی هم باشد، نقش مهمی در طرح مطالبات و در مبارزه علیه سرمایه داران و برای عقب راندن آنها بازی میکند.

معهداً حقایق آماری مربوط به مبارزه و جنبش کارگری در سال گذشته نشان می‌دهد که مطالبات کارگری از این دست به لحاظ کمی محدود تردد است. حتی چنانچه خواست بهبود شرایط کار (ردیف ۱۰) و خواستهای متفرقه (ردیف ۱۳) را نیز به مجموعه مطالبات ردیف های ۴ و ۸ و ۹ هم اضافه کنیم، رقمی حدود ۲۷ درصد حاصل میشود که این رقم حتی از نصف مجموعه ارقام (۷۳ در صد) بقیه ردیف ها یعنی حرکات اعتراضی برای مطالبات با خصلت دفاعی کمتر بوده است.

### اشکال مختلف حرکات اعتراضی کارگران

قبل از پرداختن به اشکال اعتراضات کارگری، لازم است به دو نکته تاثیر گذار بر کمیت این اعتراضات بطور خلاصه اشاره کنیم. نکته اول نتایج دوگانه تعریض سرمایه داران به معیشت کارگران است. این تعریض همه جانبه همانطور که در بخش پیشین بآن پرداختیم، یک جنبه اش کند کردن جنبش مطالباتی کارگران بود. این تعریض، فشاربرکارگران را آنقدر تشید نمود و شرایطی را بر آنان تحمیل کرد، که بیشترین مطالبات خصلت دفاعی بخود گرفت. اما

بعد از تعریض گسترده سرمایه داران و دولت آنها به شرایط کار و زندگی کارگران و در مقابله با آن بیان کشیده شده اند. خواست هایی که در اساس، ناظرند برخلاف کارگران به حفظ و نگاهداری مواضع قبلی و دفاع از موقعیت پیشین و نه فرض "برای گرفته است. این مطالبه عموماً" توسط کارگران

بعد از اینها، خواست افزایش دستمزد ها قرارگرفته است. افزایش سرسام آور قیمت ها، تنزل فاحش دستمزد های واقعی و قدرت خرد کارگران در رسال ۷۷، یک واقعیت انکارنکردنی بود که حتی وابستگان رژیم هم به دشواریهای معیشتی و زیرخط فقر بودن زندگی و نرم حقوقی کارگران اعتراض کردند. این واقعیت که معنایش تشدید فقر، فلاکت و گرسنگی هرحال کارگران در حالت بلا تکلیفی و در معرض

تعطیل در آمده اند و یا "عجالتاً" متوقف شده و کارگران را در حالات بلا تکلیفی و سرگردانی نگاه داشته اند، به میان کشیده شده است. در مرحله بعدی اعتراض به اخراجها و خواست توافق آن قرار گرفته است. این مطالبه عموماً توسط کارگران شعلی، خواست بعدی کارگران و موضوع مبارزه کارگری بوده است. این خواست نیز اساساً در واحدهای مطرح شده است که یا به صورت نیمه تعطیل در آمده اند و یا موقتاً تعطیل گشته و در هرحال کارگران در حالت بلا تکلیفی و در معرض

### جدول شماره (۱)

#### فراآنی عمدت ترین مطالبات کارگری در سال ۷۷ بر حسب تعداد و درصد

| شماره | مطالبات                            | تعداد | درصد  |
|-------|------------------------------------|-------|-------|
| ۱     | پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده    | ۶۳    | ۳۳/۱۵ |
| ۲     | توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) | ۲۱    | ۱۱/۰۵ |
| ۳     | امنیت شغلی                         | ۲۰    | ۱۰/۵۲ |
| ۴     | افزایش دستمزد ها                   | ۱۸    | ۹/۴۷  |
| ۵     | بازگشت به کار                      | ۱۵    | ۷/۸۹  |
| ۶     | ادامه کاری کارخانه                 | ۷     | ۲/۶۸  |
| ۷     | استخدام رسمی                       | ۷     | ۲/۶۸  |
| ۸     | انعقاد قراردادهای دسته جمعی        | ۶     | ۲/۱۵  |
| ۹     | اجرا طبقه بنی مشاغل                | ۶     | ۲/۱۵  |
| ۱۰    | بهبود شرایط کار                    | ۶     | ۲/۱۵  |
| ۱۱    | کار و اشتغال                       | ۳     | ۱/۵۷  |
| ۱۲    | حق بیمه بیکاری                     | ۲     | ۱/۵۷  |
| ۱۳    | (*) متفرقه                         | ۱۵    | ۷/۸۹  |
| جمع   |                                    | ۱۹۰   | ۱۰۰   |

\* در ردیف مطالبات متفرقه، مطالباتی چون بن کارگری، دفترچه خواروبار، لباس، امکانات رفاهی، پاداش و عیدي و نیز ۳ مورد اعتراض به نحوه برخورد مدیریت منظور شده است.

بیشتر کارگران بود، خواست افزایش دستمزد را به خواستی فوری تبدیل کرده و به صدر خواست های کارگری می‌راند. با وجود آنکه افزایش دستمزد متناسب با نزخ تورم خواست عمومی و ملزم کارگران بود، اما سرمایه داران و دولت آنها که به بهانه های مختلف، مراکز تولیدی و کارخانه ها را پشت هم خوابانده و صدھا هزار کارگر را اخراج

خارج و بیکاری بوده اند. اعتراض به قراردادهای موقت کار و باز خرید اجباری کارگران نیز اگرچه بخشش انتراضی است به زدن پاره ای از مزایای حقوقی کارگران توسط سرمایه داران، اما اساساً متوجه عدم تضمین شغلی است و جزو خواست امنیت شغلی منظور شده است. در هرحال روشن است که این دسته از مطالبات کارگران، اساساً

## زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

## تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۹)

### فروپاشی انتربنیونال دوم

گونه اقدامی از اعتصاب عمومی یا منفرد، خرابکاری و امثالهم صورت نخواهد گرفت و نباید از آن بینناک بود، چرا که ما طالب صلح ایم." (۲) سپس ادامه میدارد که کمیته اجرائی حزب با وقوف به مسئولیت خود، ضرورت اجتناب از اظهارات خودخواهانه و گمراه کننده را در مطبوعات میپذیرد. کمیسیون عمومی اتحادیه های کارگری نیز "صلح مدنی" را اعلام نمود و از کارگران خواست که از دولت حمایت کنند. مطبوعات حزب سوسیال دمکرات، مقالات متعددی را به توجیه اقدامات رهبری حزب و دفاع از دولت اختصاص دادند. در یکی از مقالات گفته می شد: "هرچند که خلق آلمان جنگ را نمیخواست، اما اکنون باید با تمام نیرو در آن مشارکت نماید، چرا که شکست یک فاجعه است و رنجهای ناگفتها به بارخواهد آورد." ما نباید اجزاء دهیم زنان و فرزندانمان قربانی بیرحمی قزاقها شوند". در مقاله دیگری ادعای شد که "ما تا آخرین لحظه برای پاسداری از صلح تلاش نمودیم، اما نتیجه‌ی در پی نداشت. اکنون یک تمام است. مسائل دیگری در برابر ما قرار گرفته است. اکنون یک مسئله ما را در پنگال خود گرفته است: آیا ما می خواهیم برای پیروزی تلاش کنیم؟ پاسخ ما آری است." اکنون ما باید از کلیت تمدن آلمانی و آزادی آلمان در برابر دشمن بيرحم و بربرد دفاع کنیم." (۴)

گروه پارلمانی سوسیال دمکرات‌های آلمانی نیز در ۴ اوت به اعتبارات جنگی رای داد. آها هم در بینانیه خود گفتند: "خطر حمله دشمن ما را تهدید می کنند" امروز ما نه در مورد این مسئله باید برای دفاع از کشور برداشت، می باید تصمیم بگیریم." ضروریست که خطر تزاریسم را دور کنیم و فرهنگ و استقلال کشورمان را تامین نمائیم. ما میهن مان را در لحظه دشوار رها نمی کنیم. ما احساس می کنیم که بر طبق موازین انتربنیونال عمل می نماییم که حق هر ملتی را برای استقلال ملی و دفاع از خود به رسمیت شناخته و تمام جنگهای توسعه طلبانه را محکوم کرده است. با الهام از این اصول است که ما اعتبارات لازم را تصویب می کنیم" (۵) این اظهارات و رفتار، دیگر هیچ ربطی به سوسیالیسم، انتربنیونالیسم و منافع طبقه کارگر نداشت. حرب سوسیال دمکرات آلمان به یک حزب سوسیال شوونینیست تبدیل گردید. سوسیال - شوونینیست های آلمانی همکام با بورژوازی کشور خود، از طبقه کارگر آلمان می خواستند که اسلحه بردار و آنرا به سوی برادران خود شانه رو دهند.

در دیگر کشورهای اروپائی نیز رهبری احزاب سوسیالیست، یا لااقل اکثریت آنها چنین مواضعی اتخاذ نمودند. آنها نیز برای توجیه سیاست های جنگ طلبانه دولت های بورژوازی کشورشان، مسئله جنگ تدافعی و ضرورت دفاع از میهن و دمکراسی را مطرح کردند. آنها هم طبقه کارگر را به حمایت و پشتیبانی از دولت خودی و دفاع از میهن فرا خوانند. سوسیال دمکرات‌های اطربیش که کشورشان در جبهه دولت آلمان قرار داشت، سیاست سوسیال - شوونینیست های آلمان را مورد تحسین قراردادند. سوسیالیست‌های فرانسه و بلژیک هم پرولترهای کشورهای خود را به دفاع از میهن فرا خوانند. رهیان حزب سوسیالیست فرانسه و بلژیک در یک بینانیه مشترک گفتند: "ما محققیم که از استقلال و خود مختاری ملتمنان علیه امپریالیسم آلمان دفاع کنیم". (۶) با این اوضاع، دیگر تکلیف حزب کارگر بریتانیا روشن بود. این حرب در مجلس عوام گفت که بریتانیا مسیر پیلمازی مسالمت امیز را بیموده است و حالا باید اسلحه به دست در برابر تجاوز آلمان ایستادگی کند. حزب معتقد است که اگر انگلیس تعهدات خود را نسبت به بلژیک انجام نداده بود و کنار ایستاده بود، احتمال پیروزی ارش آلمان وجود داشت و پیروزی آلمان مرگ دمکراسی در اروپاست. (۷) رهیان اتحادیه های کارگری بریتانیا نیز "متارکه صنعتی" اعلام نموده و اعتصاب را درین جنگ منع کردند. احزاب کشورهای بیطرف نظیر، سوئیس، سوئد و هلند نیز به دفاع از دولت خودی برخاستند. درین میان جناح موسوم به مرکز احزاب سوسیال دمکرات نیز کاری جزاین نکرد که مستقیم و غیرمستقیم جناح راست را تقویت کند. تنها معمولی از احزاب یا جناحی از احزاب سوسیال دمکرات دربرابر این جنگ امپریالیستی موضعی انتقامی و انتربنیونال داشتند. از کارگران خواستند که از شلیک به سوی برادران خود پرهیز نکنند و اسلحه خود را به سوی دولت خودشان و بورژوازی خودشان برگردانند.

"سوسیالیست های سراسر جهان در کنفرانس بال ۱۹۱۲، رسمای اعلام نمودند که جنگ قریب الوقوع اروپائی را جنگی "جنایتکارانه" و ارتقایی ترین اقدام تمام حکومت ها میدانند که باید از طریق برقی این اتفاقات علیه آن، سقوط سرمایه داری را تسربی نمود. جنگ فرارسید و بحران پدید آمد، اما اکثریت احزاب سوسیال دمکرات به جای تاکتیک های انتقامی به تاکتیک های ارتقایی روی اوردن و به جانبداری از بورژوازی و دولت متبوعه خود برخاستند. این روی گردانی از سوسیالیسم به معنای فروپاشی انتربنیونال دوم (۱۸۸۹ - ۱۹۱۴) است...". (۸) همان گونه که پیش از این دیدیم، قطعنامه های انتربنیونال دوم، بویژه قطعنامه های اشتونتکارت و بال، به روشنی، علل و خصلت جنگ امپریالیستی را مدت‌ها قبل از وقوع آن، تحلیل کردند و رهنمود هائی برای عمل سوسیالیستها درین جنگ ارائه دادند. بینانیه بال از جنگی گرانه که مغایر منافع کارگران است یاد نمود. بینانیه می گفت که کارگران، شرکت دراین جنگ را جنایت میدانند" و "هرگونه شلیک به یکدیگر را به خاطر سود سرمایه داران، افتخارات دودمانی و معاهدهای سری دیپلماتیک، جنایتکارانه درنظر می گیرند." با یاد اوری "جنگ فرانسه و آلمان، قیام انتقامی کمون" و جنگ روس و ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵، از سوسیالیست ها می خواست که از بحران و خشم کارگران استفاده کنند و سقوط فرمانروائی طبقه سرمایه دارها تسريع نمایند. این جنگ فرارسید در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴، امپراطوری اطربیش - مجارستان به صربستان اعلان جنگ داد. تا ۴ اوت، روسیه، آلمان، بریتانیا و فرانسه نیز به جنگ پیوستند و جنگ جهانی آغاز گردید. دفتر بین الملل سوسیالیست، فراخوان یک اجلاس اضطراری را در بروکسل داد. این اجلاس در فاصله ۲۹ تا ۳۰ ژوئیه برگزار شد. اغلب رهبران احزاب سوسیالیست دراین اجلاس حضور یافتند. در این اجلاس به پیشنهاد روزالوکزامبورگ تصمیم گرفته شد، که کنگره‌ایتی در ۱۹۱۹ اوت به عنوان یک کنگره اضطراری درمورد مسئله جنگ درپاریس برگزار شود. بخش دیگری از مباحث این اجلاس درمورد جنگ بود. تعدادی از سران احزاب سوسیالیست دراین مورد سخنرانی کردند. از همین بحثها روشن بود که اغلب احزاب سوسیالیست نمیخواهند مطابق مصوبات کنگره های انتربنیونال موضعی انتقامی در مقابل جنگ ارتقایی امپریالیستی اتخاذ کنند. آنها هریک به نحوی از دولت خودشان دفاع کردند و جنگ طلبان خارجی را محکوم نمودند. ویکتور آدلر، رهبر حزب سوسیال دمکرات اطربیش از غافلگیر شدن سوسیالیست‌های اطربیشی سخن گفت. او اعلام نمود که حزب خل菊 سلاح شده و نمی تواند کاری انجام دهد. وی با هراس، از تهدید حزب و مطبوعات حزبی سخن گفت. آدلر، انجام اقدامات انتقامی پرولتاریا علیه جنگ را منتفی اعلام نمود و حتی ایده اعتصاب را نیز فانتزی مغض نماید. (۹) سوسیالیست‌های انگلیسی و فرانسوی هم از تلاشهای صلح طلبانه دولتها خود سخن گفتند. این اجلاس با تصویب قطعنامه ای به کار خود پایان داد. دراین قطعنامه از پرولترهای ایتالیا کشوارها خواسته شده بود که صرفاً به ادامه تظاهرات اکتفا نکند، بلکه تظاهرات خود را علیه جنگ، بخاطر صلح و حل درگیری اطربیش و صربستان از طریق دادگاه تشید کنند. قطعنامه از سوسیالیست‌های آلمان می خواست که دولت خود را تحت فشار قرار دهد تا جلوگیری از اطربیش را پیگیرد. از سوسیالیست های فرانسه نیز میخواست به دولت خود فشار آورند تا روسیه را به عدم مداخله دراین درگیری تشویق کند. به پیشنهاد روزالوکزامبورگ، دراین قطعنامه ممچین گفته شد که بوروی سوسیالیست به گرمی از برخورد انتقامی پرولترهای روسیه استقبال میکند و از آن میخواهد که اقدامات قهرمانانه خود را علیه تزاریسم که موثرترین تضمین در مقابله انتقامی جنگ جهانی است، ادامه دهد. اما دراین قطعنامه درمورد خصلت این جنگ و راه حل مقابله جدی با آن چیزی گفته نشد. چند روز پس از این اجلاس، جنگ همه گیرشد. کنگره اضطراری که قرار بود در پاریس تشکیل شود، دیگر برگزار نشد. بوروی انتربنیونال هم به هلند منتقل شد و بخاطر اختلافات شدید دیگر جلسه ای تشکیل با ورود دولت آلمان به دفاع از دولت خودی و حمایت از جنگ برجاست. آلمان آشکارا به دفاع از دولت خودی و حمایت از جنگ برجاست. آلمان سودکوم از رهبران حزب با صدر اعظم آلمان یک ملاقات خصوصی داشت و دری بیانیه ای به وی اطمینان داد که "هیچ

"هایند، سودکرم، لاندسبیرگ، دیوید، نمایندگان و رهبران نمونه وار این قشراند. یک چنین قشری در فراکسیون سوسیال دمکرات آلمان هم نمایندگان خود را دارد. در ۱۸۹۲، در میان ۳۵ نماینده سوسیال دمکرات در رایشتاگ، ۴ تن را صاحبان مسافرخانه ها تشکیل میداند. در ۱۹۰۵ به شش تن از مجموع ۸۱ نماینده سوسیال دمکرات افزایش یافتند. در ۱۹۱۲ به ۱۲ نفر از مجموع ۱۱۰ نماینده سوسیال دمکرات رسیدند.

این رهبران ایدئولوژیک \_ سیاسی خرد بورژوازی در حالیکه نقطه انتکه خود را عقب مانده ترین لایه های طبقه کارگر قرار دادند، ترنده در دوران سوسیال دمکراتی ایجاد کردند. "تدریجا" دولتی در درون دولت تشکیل شد، نفوذ خرد بورژوازی دائمی" بیشتر شد و خود سوسیال دمکراتی تبدیل به یار نیمه راه، یاران نیمه راه شد. این یاران نیمه راه نبودند که خودرا با سوسیال دمکراتی وفق دادند، بلکه این سوسیال دمکراتی بود که خود را با آنها وفق داد. "(۱۱) دیگر احزاب سوسیال دمکرات نیز دارای وضعیت مشابهی بودند. اما تکیه گاه و سرمنش طبقاتی اپورتونیسم در احزاب سوسیال دمکرات انترناسیونال دوم تنها خرد بورژوازی نبود، بلکه بوروکراسی و اشرافیت کارگری نیز بود. اگر در گذشته تنها در انگلیس بود که لایه فوقانی طبقه کارگریه علت انصحصار بریتانیا در بازار جهانی به صورت یک لایه ممتاز و مرغه شکل گرفته بود که پایگاه بورژوازی در جنبش طبقه کارگر بود، در مرحله امپریالیستی تکامل سرمایه داری، این لایه در تمام کشورهای پیشفرند سرمایه داری شکل گرفت. بورژوازی ناچیزی از ما فوق سودهای کلان احصایی را به این لایه اختصاص داد. این لایه مرفه و ممتاز به لحاظ شیوه زندگی و تفکر بورژوازی داشتند. بورژوازی از این لایه فوقانی طبقه کارگریه عنوان مهم ترین ابزار برای اشاعه ایده های بورژوازی و اپورتونیستی در میان کارگران و محدود کردن مبارزه آنها به دائرة مناسبات موجود استفاده کرد. در حقیقت اشرافیت کارگری نقش عامل بورژوازی را در جنبش طبقه کارگر به عهده گرفت و به این طبقه خیانت کرد. لینین در تحلیل این پدیده می نویسد: "بدیهیست با یک چنین ماقو سود هنگفتی" (زیرا این سود ماقو از سودیست که سرمایه داران از طریق بهره کشی از کارگران کشور خود به چنگ می آوردند) میتوان رهبران کارگری میباشدند، خرید. این قشر را همان سرمایه داران کشورهای "پیشو" میخوردند و این عمل را هم به هزاران وسائل مستقیم و غیر مستقیم، آشکار و پنهان انجام میدهند.

این قشر کارگران بورژوا شده یا "قشر اشرافیت کارگری" که از لحاظ شیوه زندگی و میزان دستمزد و به طور کلی جهان بینی خود کاملاً خرد بورژوا هستند، تکیه گاه عده انترناسیونال دوم و در این ایام ما تکیه گاه عده اجتماعی اتفاقی (نه جنگی) بورژوازی را تشکیل می دهند. زیرا اینها عاملین واقعی بورژوازی در جنبش کارگری و مباشرین کارگری طبقه سرمایه داران و مجریان حقیقی فرمیسم و شوونینیسم هستند. "(۱۲)

نقش مشابهی رانیز بورکاراسی کارگری ایفا نمود. بوروکراسی کارگری را جریانی در درون جنبش کارگری تشکیل می داد که سازمان های توده ای کارگری را در کشورهای سرمایه داری هدایت و رهبری می کارگری جزیی، کردند. هرچند که بوروکراتهای درون جنبش کارگری بخشش از میان اریستوکراسی کارگری امده بودند، اما عدتاً فعالیت اتحادیه ای و تشکل های دیگر نظیر تعاونی ها بودند که شغل کارگری خود را کرده و تبدیل به کارکنانی شده بودند که از حزب و اتحادیه ها حقوق می گرفتند. آنها از موقعیت ممتازی برخوردار بودند و حقوق های معمولاً بالائی می گرفتند.

زنیویف در همان نوشته "ریشه های اجتماعی شکاف در انترناسیونالیسم دوم" در مورد نقش و موقعیت بوروکراسی کارگری با استناد به آمار و اطلاعات مربوط به این توضیح میدهد که "کل تعداد مقامات حقوق بگیری که برای حزب و اتحادیه ها در ۱۹۱۲ در آلمان کار می کردند ۴۰۱ نفر بود . . . آنها در آمدی بالاتر از درآمد یک خرد بورژوازی متوسط دارند و از مدت‌ها پیش کار خود را رها کرده اند . . . بر طبق محاسبه می، ۴ هزار کارگزار، اگر بیشترین باشد لااقل دوازده هزار پرس است مهم اتحادیه ای و حزبی را در اختیار خود گرفته اند. هر کارگزار کما بیش موثری همزمان ۲ یا ۳ و گاه حتی تعداد بیشتری مقام و منصب دارد. او در همان حال که نماینده رایشتاگ و سرددیر روزنامه است، عضو پارلمان منطقه ای هم می باشد و دبیر حزب نیز هست. رئیس یک اتحادیه، سرددیر یک نشریه، کارمند تعاونی و عضو شورای شهر وغیره است. بدین طریق است که تمام قدرت در حزب و اتحادیه ها در دست این چهار هزار فوکانی متکردد. (حقوق ها نیز افزایش می یابند و این باشته میگردد. بسیاری از مقامات جنبش کارگری هرسال ده هزار مارک و بیشتر دریافت میکنند). همه چیز وابسته به آنها میشود. آنها تمام دستگاه قدرتمند مطبوعات، تشکیلات، انجمنهای کمک مقابله، تمام دستگاه انتخاباتی وغیره را در دست خود می گیرند."(۱۳)

این بوروکراسی کارگری که در موقعیت ممتازی قرار گرفته بود، مدافع

آنها از انقلاب سوسیالیستی و انترناسیونالیسم پرولتری دفاع نمودند. در پیش اپیش این گرایش چپ انقلابی، حزب بلشویک به رهبری لنین قرار داشت. اما این گرایش در انترناسیونال دوم ضعیف بود. جریان مسلط را اپورتونیسم اشکار و پوشیده راست و مرکز تشکیل میداند. سیاستهای اپورتونیستی احزاب سوسیالیست، دفاع طلبی سوسیالیست های کشورهای اروپائی و حمایت آنها از دولتها خودی، به انشعاب در انترناسیونال و فروپاشی آن انجامید.

علت این فروپاشی انترناسیونال دوم چه بود؟ علت این فروپاشی در آن نبود که جنگ باعث از هم گستاخانی مناسبات و روابط میان احزاب سوسیالیست شده بود، بلکه اپورتونیسم انترناسیونال دوم و روشکستگی ایدئولوژیک \_ سیاسی و تشكیلاتی آن علت این فروپاشی بود.

اپورتونیسم انترناسیونال دوم، طی بیش از دو دهه دوران مسالمت تدریجاً رشد کرده بود. اغلب احزاب سوسیالیست، انتقلاب اجتماعی و شیوه های انقلابی مبارزه را عمل "کنار نهاده" مبارزه را عمل "کنار نهاده" بودند و تنها به طبقاتی را جایگزین مبارزه طبقاتی کردند و بشکلی پوشیده دست به اتحاد با بورژوازی زدند. این سیاست اپورتونیستی در سوسیال ازاین مخفی بود، شکلی اشکار به خود گرفت. "جنگ، اتحاد پنهانی اپورتونیستها و بورژوازی را به اتحادی علیه تبدیل کرد."(۸)

لینین در تحلیل بنیادهای ایدئولوژیک این اپورتونیسم می نویسد: "دفاع از همکاری طبقاتی، کنار نهادن ایده انقلاب سوسیالیستی و روش های انقلابی مبارزه، تطبیق خود با ناسیونالیسم بورژوازی، انکار این واقعیت که خطوط مرزی ملت و کشور از نظر تاریخی گذرا هستند، بت ساختن از قانونیت بورژوازی، رد نقطه نظر طبقاتی و مبارزه طبقاتی از ترس دفع" توده های وسیع جمعیت "(یعنی خرد بورژوازی) \_ بدون شک اینها هستند، بنیادهای ایدئو لوژیک اپورتونیسم و از همین خاک است که ذهنیت شوونینیستی و وطن پرستانه اغلب رهبران انترناسیونال دوم رشد کرده است."(۹)

اما این اپورتونیسم و شوونینیسم درها رشد نکرده بود، زمینه های عینی اجتماعی و طبقاتی داشت. احزاب سوسیال دمکرات پارلمانی پسربرده بودند، برای که سالهای مديدة با مبارزه قانونی و پارلمانی پسربرده بودند، جلب حمایت خرد بورژوازی و کسب اینها مدام از مواضع پرولتری کوتاه آمده بودند، به طرح شعارهای پرداختند که خرد بورژوازی رم نکند. آنها حتی افساری از خرد بورژوازی را به صفوپ خود پذیرفتند. زینویف در تحلیل جامع خود از ریشه های اجتماعی اپورتونیسم به المان اشاره میکند و می نویسد: "ترکیب حزب سوسیال دمکرات ایان و اتحادیه های کارگری این کشور، قطعاً" پرولتری تراز هر حزب دیگر "اروپائی" است. با این وجود، ما در اینجا چه میبینیم؟ سوسیال دمکراسی المانی، آمار جامعی در مورد ترکیب اجتماعی کل تشکیلات حزبی اش ندارد. اما چنین اماری برای شهر برلین موجود است که تا حدودی میتوان آن را نمودنای برای تمام حزب در نظر گرفت.

یک تحقیق اماراتی عالی در مورد ترکیب سازمان سوسیال دمکرات المان در برابر ما قرار دارد که حدود ۸ یا ۹ سال پیش تهیه شده (حدوداً سالهای ۱۹۰۷-۱۹۰۶) و میتوان آنرا هنوز معتبر دانست.

برلین بزرگترین مرکز کارگری و مهم ترین سنگر سوسیال و مکراسی امارات است. این امار مربوط به سال های ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ است که شامل ۵۲۱۰۶ عضو سازمان یافته حزب سوسیال دمکرات است (۸۱) درصد تمام اعضائی که در آن زمان در حزب سوسیال دمکرات در متشکل شده بودند. در نظر اول، دو نکته جلب نظر می کند. او لا" وجود یک گروه از نظر کمی قوی از افراد غیر کارگر در سازمان شانیا" درصد بالشنبه کوچکی از اعضای حزب که از کارگران غیر ماهر تشکیل شده اند. گروه نخست یعنی کسانی که از طریق فروش نیروی کار خود زندگی نمی کنند (۵۲۲۸ نفراند) (از مجموع ۵۲۱۰۶) یعنی ۹/۸ درصد تمام اعضای حزب را که مورد بررسی گرفته اند، تشکیل می دهند. بنا براین می بینیم که تقریباً ۱۰ درصد تمام سوسیال دمکراتهای متشکل را در شهر برلین امارات و حوالی آن غیر کارگران تشکیل می دهند . . . هزاران سسافر خانه چی، صدھا مالک کارخانه های کوچک، تجارو پیشه و ران مستقل، اینها اشخاص منفرد نیستند که موضع پرولترها را پذیرفتند بلکه این یک قشر کاملاً" متمایز است که منافع خود، روانشناسی خاص خود و شیوه تفکر خودش را حفظ کرده است"(۱۰).

واضح است که این قشر وسیع خرد بورژوازی در حزب سوسیال دمکرات امارات که در سالهای بعد نیز به بر کیت آن افزوده شد، تاثیر مشخص خود را برخود مشی و سیاستهای احزاب سوسیال دمکرات بر جای می کذاشت. دادن امتیازات به آنها و عقب نشینی های مداوم، همراه با تقلیل مداوم خواستهای کارگران بود. آنها تدریجاً سخن گویان و رهبرانی نیز در حزب پیدا کردند. زینویف می نویسد که

## موج گرانی و راه مقابله با آن

### گزیده ای از نامه های رسیده

توضیح کوتاهی برستون گزیده‌ای از نامه های رسیده

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه بارج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.

تحریریه کار در گزینش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه های رسیده همچنین یادداشت های را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده آنرا بجا پرساند. درج این مطالب، لزوماً بمعنی تائید مواضع نویسنده نامه یا تشکلهای نمیباشد. از همه رفقاء دوستانی که برای ما نامه مینویسند در خواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویشا در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی

یافته است.

هم اکنون بسیاری از اقلام داروئی به همین سرنوشت چارشده اند. شرکت های واردکننده یا صاحبان کارخانه های تولید دارو، مسئولین مربوطه، مقدمتا از توزیع دارو در داروخانه ها خودداری میکنند تا بعد از ایجاد کمبود دارو، قیمت آن را به چند برابر افزایش دهند. یک مسئول امور داروئی در شهرسازه در مورد افزایش قیمت دارو و کمبود ۳۰ قلم دارو در ده داروخانه این شهر می گوید: "کارخانجات تولید کننده دارو به منظور افزایش نرخ رسمی، با تأخیر اقدام به پخش دارد می کند!"

باید در نظر داشت که این افزایش جهش واروس سام آور ۴۰، ۱۰۰ درصدی قیمت ها در حالی صورت می گیرد که دستمزد های اسمی کارگران فقط به میزان بسیار ناچیزی افزایش یافته و ماهانه از ۴۰ هزار توانم هم کمتر است حقوق کارمندان نیز فقط ۱۶/۵ درصد افزایش یافته است. واضح است که این ارقام به پیوژه با نرخ تورم خوانائی و تناوبی نداشته و تدارد و این مسئله از روزه ز روشن تر است که قدرت خرید اکثریت مردم زحمتکش بطور فاحش کاهش یافته است و بدین ترتیب کلیه اقشار زحمتکش و حقوق بگیر و قبل از همه، کارگران، روز بروز فقریتر شده و سطح معیشت آنها به مرافق بازهای پائین تر تنزل نموده است. به راستی کارگری که ۲۸ هزار توانم حقوق میگیرد و بیش از دو سوم آن را برای اجاره خانه میبردازد، چگونه باید سایر هزینه های زندگی را تامین کند؟ این در حالیست که دستمزد واقعی کارگران مرتبی کاهش یافته است. ارزش ریال روز بروز سقوط نموده و یک دلار آمریکا اخیرا از ۸۵۰ توانم هم تجاوز کرده است. یک کارگر در رابطه با مشکلات کارگران به روزنامه کار و کارگر می نویسد "با ماهی ۴۰ هزار توانم حقوق باید ۲۰ هزار توانم کرایه خانه بپردازد تازه این در صورتی است که بیش از یک میلیون پول بیش داشته باشد!"

یک مامور دولتی به روزنامه سلام مینویسد ۱۲ سال است خدمت میکنم حقوق ۴۱ هزار توانم است ۲۵ هزار توانم کرایه خانه میدهم با ۱۶ هزار توانم (چگونه) باید زندگی کنم؟" حقیقت آنست که از ناحیه گرانی و افزایش قیمتها، فشارهای کمر شکن و غیرقابل تحمل بر گرده کارگران و سایر اقشار محروم و زحمتکش وارد شده و قررا در میان آنان بیش از بیش تشدید کرده است. تشدید فشار بحدی است که حتی افراد وابسته به جناح ها و دم و دستگاه حکومتی نیز زیان به باصطلاح انقاد گشوده اند. بعنوان نمونه "جامعه اسلامی کارگران" که یک تشکل وابسته به جناح رسالتی ها، یعنی جناحی است که داشما از کارگران میخواهد که به فکر آب و زان و خربزه نباشند و بجالی آن به اسلام عزیز بیاندیشند، در قطعنامه ای که به مناسبت روز جهانی کارگر صادر کرده است می نویسد "مرز خط فقر را با نک مرکزی ۱۲۰ هزار توانم درآمد ماهیانه اعلام کرده است حال آنکه حداقل دستمزد کارگری ۳۶ هزار توانم است که فقط یک سوم خط فقر را می پوشاند" (نقل به معنی).

معنای این حرف آن است که حداقل دستمزد کارگران لااقل میباشد که در صد (سه برابر) افزایش باید تا کارگران بتوانند با آن دستمزد در مرز خط تومن نیست و به قیمت ۸ هزار توانم توزیع می شود! همانطور که ملاحظه میکنید قیمت این دارو که در واخر سال گذشته ۱۵۰ توانم بوده است، در یک چشم بهم زدن بیش از ۵۰ برابر افزایش

به تهران هم نمیشود. نرخ کرایه ها در اکثر شهرهای بزرگ شامل میشود. نرخ کرایه ها در اکثر شهرهای از شهرستانها رانیز مانند، مشهد، تبریز، اصفهان افزایش یافته است. این موج گرانی شهرهای کوچک ترا را نیز فرا گرفته است. در اردبیل نرخ پایه تاکسی ۵۰ درصد افزایش یافته است. سازمان اتوبوس رانی قزوین قیمت بلیط اتوبوس را ۲۵ درصد افزایش داده است. قیمت بلیط اتوبوس های شهری در سنجاق ۱۰۰ درصد افزایش یافته است.

اوضاع در مردم مواد غذائی نیز برهمنم متوال است و به آن دائم "سیر صعودی" پیموده است. کره، روغن، چندی پیش گران شده بود، مجدداً طبق مصوبه شورای اقتصاد ۱۳ درصد افزایش یافته و از هزار ریال به هزار ۱۳۰ ریال رسید و متعاقب آن قیمت انواع فراورده ها از جمله پنیر، افزایش یافته و باز هم گرانتر شده است. بها یک کیلو گوشت قرمن (گوساله) مرزدوهار توانم را هم پشت سرگذاشتند است. انواع چیزیات ۳۰ درصد سیزیجات از ۲۰ تا ۵۰ درصد، قند و شکر ۲۵ تا ۴۰ درصد و انواع چای از ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. سایر مواد غذائی نیز تقریباً بدون استثنای با افزایش قیمت روپرور بوده است. حتی قیمت نان هم که بخش اصلی غذای عموم کارگران و زحمتکشان و محروم است نیز افزایش یافته است. رسالت هشتم اردبیله است می نویسد انواع نان ماشینی در تبریز حداقل ۲۵ درصد افزایش یافته است. هر قرص نان لواش ماشینی از ۵ ریال به ۷۰ ریال ببری از ۸۰ ریال به ۱۰۰ ریال و سنگک از ۱۵۰ ریال به ۲۰۰ ریال رسیده است. اجاره خانه نیز داشما" بالا رفت و اخیراً ۴۰ درصد افزایش یافته است.

اوضاع قیمت ها در بخش خدمات پزشکی و درمانی از این هم خیم تراست. بنا به مستندات روزنامه های وابسته به رژیم، تعریف درمانی نسبت به سال گذشته تا ۲/۵ برابر افزایش یافته است. طبق تعریف جدید سازمان نظام پزشکی، حق ویزیت پزشک عمومی از ۴ هزار ریال در سال گذشته به ۸ هزار ریال در سال جدید (صدرصد)، پزشک متخصص از ۶ هزار ریال به ۱۵ هزار ریال (صدو وینجاه در صد) و فوق تخصص (مثل ارتودپ و روانشناس) از ۸ هزار ریال به ۲۰ هزار ریال (ایضاً صد و پنجاه درصد) افزایش یافته است. بسیاری از اقلام داروئی نیز بطور سراسم آوری گران شده است. قطره ای بنام "مینی دین" برای بیماران دیابتی که نارضایتی عمیق خود را از این مسئله و افزایش سراسم اور قیمت این قطره به روز نامه سلام انکاس داده و چرائی آنرا پرسیده بود که بعد هم روزنامه سلام ازوزارت بهداشت و مسئولین نظارت بر قیمت داروها این موضوع را پرسیده بود و سر انجام ایشان هم چند روز بعد در پاسخ خود عنوان کرده بودند که علت این مسئله کمبود این دارو بوده است و اکنون به آین قطره دیگر ۱۷ هزار تومن نیست و به قیمت ۸ هزار توانم توزیع می شود! همانطور که ملاحظه میکنید قیمت این دارو در واخر سال گذشته ۱۵۰ توانم بوده است، در یک چشم بهم زدن بیش از ۵۰ برابر افزایش

## جدول شماره (۲)

فراوانی اشکال عمدۀ حرکات اعتراضی کارگری در سال ۷۷ بر حسب تعداد و درصد

| درصد | تعداد | شكل اعتراضی                                 | شماره |
|------|-------|---|-------|
| ۴۰/۶ | ۵۴    | جمع اعتراضی در برابر کارخانه یا مراکز دولتی | ۱     |
| ۲۱   | ۲۸    | اعتصاب                                      | ۲     |
| ۶/۷  | ۹     | تحصن  | ۳     |
| ۲۶/۳ | ۲۵    | نامه و طومار اعتراضی                        | ۴     |
| ۵/۲  | ۷     | راه پیمایی و تظاهرات                        | ۵     |
| ۹۹/۸ | ۱۳۳   | جمع   |       |

### زیرنویس:

جداوی و آماره ارقام ارائه شده، اساساً بر مبنای خبرهای انتشار یافته در نشریه کار و همچنین با استفاده از برخی نشریات سایر جریانهای چپ و انقلابی تنظیم شده است. می‌دانیم که به دلیل حاکمیت خلقان و سرکوب بر جامعه بسیاری از خبرهای مربوط به اعتصابات و اعتراضات کارگری در جائی انعکاس نمی‌یابد. از این‌رو روشن است که مجموعه خبرهای انتشار یافته در این نشریات فقط بخشی از حرکت‌های اعتراضی کارگری را در بر می‌گیرد و ارقام واقعی مربوط به اعتصاب و سایر حرکت‌های اعتراضی کارگری در سال ۷۷، یقیناً بیشتر از اینهاست.

و شهریور). تجمع ۱۲۰۰ تن از کارگران کارخانه الکترویک رشت (شهریور ماه) تجمع کارگران شرکت کرمانیت کرمان در اداره کل کار کرمان (مهرماه). تجمع اعتراضی دو هزار تن از کارگران شرکت صنعتی جهان کرج در محوطه کارخانه (آیان ماه) با خواست پرداخت حقوق و مزایای معوقه و تجمعات اعتراضی دو هزار کارگر جهان چیت (دیماه) در اعتراض به اخراج و برای بازگشت بکار و حقوقهای پرداخت نشده. این ها ودها نمونه دیگر مورد این قضیه است که در سال ۷۷، برپائی تجمعات اعتراضی، یکی از عده ترین اشکال مبارزه کارگری بوده است. (ادامه دارد)

## گزینه‌ای از نامه‌های رسیده

این تهدید نامه، یک نمونه از اقدامات ارتقایی و سرکوبگرانه دارو دسته طالبان و مرتعین وابسته به آن را نشان می‌دهد. روشن است که این تهدید نامه‌های آمیز مترجمین، در ضدیت با زنان و محدود ساختن دامنه مبارزه زنان افغانی و در اساس به قصد سرکوب مبارزات دمکراتیک زنان است و از طرف هر انسان و جریان آزادی خواه و مبارزی محکوم است.

آلمان\_ کاسل، رفیق عزیز (ب): نامه محبت آمیز شما و نیز مبلغ ۱۰۰ مارک آلمان که بابت آیونه نشریه کار ارسال کرده بودید، بدمستان رسید. خوشحالیم از اینکه مشکل مالی شما بخشا" سبک ترشده است. نشریه کار، همچنان برایتان ارسال خواهد شد. در ضمن جا دارد تا از تلاش‌های شما برای آنکه سایر دولستان و آشنايان، نشریه کار را مشترک شوند، قدردانی کنیم. طبعاً این‌ها همه نشان از احساس مسئولیت شما است. پیروز باشد.

و گروههای سیاسی افغانی و پاکستانی به سخنرانی پرداخته اند و برگزاری این مراسم در برخی از روز نامه‌های پاکستانی نیز انکاس یافت. قابل ذکر است که خانمی از کانادا و از سازمانی بنام "زنان برای زنان در افغانستان" که در این مراسم سخن رانی کرده بود، مورد تهدید واقع گردید و از سوی جریانات ارتقایی و وابسته به طالبان برای او نامه تهدید آمیز ارسال شد که در آن ضمن اهانت مکرر به زنان متشکل در "رواوا"، آنان تهدید به مرگ شده‌اند. در این نامه تهدید آمیز از جمله آمده است "شendar... ما مطلع شدیم که شما با گروه فواحشی بنام راواتناس دارید آنان که... با اسلام و طالبان در حنگ اند، شما بهتر است روابط خود را با این گروه قطع کنید و سربازان اسلام را با حرکات ضد اسلامی خود نرنجانید، شما قدم به قدم تعقیب می‌شوید". این اولین و آخرین هشدار است. مجازات زنان راوا مشخص است... شما بهتر است جان خود را نجات دهید... آنان قطعاً به سزاً اعمال خود خواهند رسید. یک سرباز اسلام"

## جنش کارگری در سال ۷۷

جنبه دیگر اعمال چنین فشارها و تعرض این بود که در عین حال توده کارگران را در سطح بسیار وسیع و گسترده بسیج می‌کرد و ابعاد اعتراضات کارگری را گستردۀ تر می‌ساخت. نکته دوم تاثیر پذیری جنبش اعتراضی کارگری از شرایط سیاسی جامعه است. تعمیق شکاف حکومتی و حدت بحران سیاسی در سال گذشته و سرانجام توازن قوای سیاسی، شرایط بالتبغه مساعدتی برای به میدان آمدن نیروی اعتراض کارگری فراهم ساخت و در مجموع حرکات اعتراضی کارگری ارزش داشت که قابل ملاحظه ای نیز برخوردار گردید.

اعتراضات کارگری در سال گذشته نیز در اشکال مختلف و متنوعی ادامه یافت. در تمام طول این یک سال حتی یک هفته هم بدون چند اعتراض کارگری نگشته. کارگران در هر کارخانه و موسسه تویلیدی، بسته به موقعیت، تجارب و پیشینه مبارزاتی خود، از اشکال گوناگون مبارزه برای طرح مطالبات خود استفاده کرده اند. بر پائی تجمعات اعتراضی، اعتصاب، تحصن، راه پیمایی و تظاهرات و سرانجام تهیه و ارسال نامه و طومار، از جمله مهمترین اشکال حرکت‌های اعتراضی کارگران بوده است. برای پیشبرد بهتر امر مبارزه، کارگران گاه ترکیبی از اشکال مبارزه را بکار گرفته و از چند شکل مبارزه توامان سود جسته اند. نمونه کارگران کاشان که در اعتراض به واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی، ابتدا در محل بیمارستان دست به تحصن زدند، سپس تجمعات اعتراضی برپا کرده و سرانجام دست به تظاهرات و راه پیمایی زدند.

### جمع اعتراضی:

با این همه تا آنجا که بررسی آماری اعتراضات کارگری در یک سال گذشته نشان میدهد و در جدول شماره ۲ که در آن فراوانی اشکال عمدۀ حرکات اعتراضی کارگران بر حسب تعداد و درصد مشخص شده، انعکاس یافته است، کارگران برای دست یابی به مطالبات خود، بیش از هر شکل دیگری از برپائی تجمعات اعتراضی در برابر کارخانه‌ها و یا مراکز دولتی استفاده کرده اند و بیش از ۴۰ درصد حرکت‌های اعتراضی کارگری، بصورت برپائی تجمعات اعتراضی بروز یافته است. دهها هزار کارگر در سراسر ایران برای این اجتماعات اعتراضی برپا مکانیزم این را می‌توان از جمله میتوان از موارد زیر یاد کرد.

تجمعات اعتراضی و مکرر بیش از هزار تن از کارگران پروژه‌ای نفت آبادان در برابر مراکز دولتی و اداره کار (اردیبهشت و خرداد) با خواستهای چون قراردادهای مستندگی، استخدام رسمی، خدمات شغلی و توقف اخراجها، تجمع اعتراضی مترازو از ۷۰۰ تن از کارگران نفت آبادان در برابر فرمادناری (مهر ماه) ایضاً با خواست استخدام رسمی و لغواح حکام اخراجها، تجمع اعتراضی کارگران شرکت شفارود (فیوردهای ماه) با خواست اجرای آئین نامه استخدامی و طرح طبقه بندی مشاغل، تجمعات اعتراضی و مکرر صدها تن از کارگران صنایع چوب ایران در برابر فروشگاه مرکزی این شرکت (مرداد

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برآذخ**

را شکستند . قابل ذکر است که سال گذشته نیز بیکاران شوشتربه حرکات اعتراضی دست زده بودند و بیکاران دزفول نیز با مراجعه به اداره کارایین شهر برای کار و عدم واگذاری کار ، به حرکت مشابهی دست زده بودند.

## نامه اعتراضی

روز ۲۵ فروردین، شرکت صنایع ضایعات فلزی اهواز به بهانه زیان ده بودن این واحد تعطیل شد و به این ترتیب دهها کارگری که هنوز در این کارخانه مشغول به کار بودند، از کاربیکار شدند. کارگران که قبل از این چندین بار خطر تعطیلی کارخانه را هشدار داده بودند، دراعتراض به تعطیلی این واحد، نامه اعتراض آمیزی به فرمانداری و نیز روزنامه کار و کارگر فرستادند. کارگران درنامه خود از جمله چنین اشاره کردند که این شرکت از چند سال پیش به دلیل سو مدبیریت و ریخت و پاش های بیمورد و هزینه های آچنانی از جمله حقوق های کلان اعضا هیئت مدیره و عدم برنامه ریزی صحیح به حالت رکود و تعلیق کشانده شد و اخیراً نیز زمزمه انجلل آن اعلام گردید و نگرانی دهها کارگر با سوابق کاری ۷ تا ۱۵ سال آغاز شد و سرانجام با تعطیلی این شرکت در ۷۸/۱/۲۵ این نگرانی افزایش یافت. کارگران در ادامه نامه خود نسبت به این مسئله اعتراض نموده و خواستار حلولگری از احلال شرکت و همچنین خواستاربررسی واعلام بیلان مالی این واحد شده اند تا "مشخص شود که این واحد نه تنها زیان ده نبوده، بلکه در مدت کارکرد خویش، سودی کلان نیز داشته است". موضوع بسیار مهم دیگری که کارگران در نامه اعتراضی خود به آن اشاره کرده اند اینست که آنان با اشاره به ناتوانی سهام داران از اداره شرکت، برای به دست گرفتن امور آن، اعلام آمادگی کرده اند. کارگران نوشتند "حاضریم در قالب پیمان های دسته جمعی امور شرکت را خود به دست گرفته و علاوه بر هزینه های جاری و پرسنلی، سودی نیز به سهامدار بدھیم" ! و بالاخره در انتهای نامه کارگران چنین هشدار داده اند، چنانچه به خواسته ای آنها رسیدگی نشود، در مقابل فرمانداری و دیگر ادارات مسئول، تجمعات اعتراضی بريا خواهند کرد.

## اعتراض کارگران پتروشیمی اراک

کارگران قرار دایی پتروشیمی اراک در نامه ای که برای مطبوعات فرستادند، نسبت به تصمیم مسئولین برای اذیبین بردن طبقه بنی کارگری، اعتراض کردند. مسئولین مربوطه از کارگران فرادرادی خواسته اند بعنوان کارمند زیر دیبلم به حساب آیند، حال آنکه هچیک از کارگران به این امر اراضی نیستند و با آن مخالف اند. کارگران ضمن اعتراض به این تصمیم، خواستار اجرای طرح طبقه بنی مشاغل و استخدام رسمی شده اند.

## "اعتراض کارگران مجتمع شهید رجائی"

بیش از ۲۰۰ نفر از پرسنل " مجتمع شهید رجائی" در تاریخ ۱۸ فروردین ، توسط مدیریت این مجتمع اخراج شدند. این کارگران که بسیاری از آنها بیش از ۸ سال سابقه دارند، در اعتراض به این اقدام، نامه ای اعتراض آمیز به روزنامه ها فرستادند. در

## اخباری از ایران

### تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

روز اول اردیبهشت ماه، نزدیک به ۲۰۰ تن از کارگران شهرداری، در مقابل شهرداری منطقه ۴ تهران ، یک تجمع اعتراضی بريا کردند و خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. ازینگر خواست های کارگران شهرداری که اکثرآ" مدت ده سال است که بصورت فراردارانی مشغول به کارند، این بود که به استخدام رسمی درآیند و از حقوق و مزایای کارگران رسمی پرخوردار شوند. قابل ذکر است که صدها تن از کارگران شهرداری منطقه ۴ که مسئولین مربوطه مانع از بیوستن آنان به اجتماع کارگران شده بودند، در داخل محوطه این شهرداری و به نشانه حمایت از کارگران اعتراض کنده و ممبتنی با آنها، تجمع اعتراضی بريا کردند.

### اجتماع اعتراضی کارگران نانوائی

کارگران نانوائی های اصفهان با تجمع دربرابر دفتر نماینده این شهر در مجلس ارتعاج ، نسبت به طرح معافیت کارگاههای تا ۳ نفر کارگر از شمول قانون کاروتایین اجتماعی، شدیداً اعتراض کردند. شایان ذکر است که کامران نماینده اصفهان یکی از کسانی است که در موافقت با این طرح رای داده است . کارگران در این تجمع اعتراض خود، ضمن اشاره به عاقب و خامت بارایین طرح بريا کارگران، ازفرد پوششده خواستند در این زمینه تجدید نظر کنند.

### کارگران کوره پزخانه بیمه نیستند

انجمنهای صنفی کارگران کوره پزخانه های خاتون آیاد، فرقچک ، پاکدشت و ورامین در نامه ای خطاب به رئیسجمهور که رونوشت آنرا بريا کاروکارگر نیز فرستادند، ضمن اشاره به برخی از مشکلات کارگران کوره پزخانه، خواستار آن شدند که زیر پوشش تامین اجتماعی در آمده و از مزایای آن برخوردار شوند. کارگران در نامه خود از جمله نوشتند " کارگران کوره پزخانه ها در بدترین شرایط ممکن کار می کنند . . . نه وضعیت بیمه درمانی این کارگران روشن است و نه امیدوارند که روزی روزگاری اگر بیکار شدند ( که احتمالش هر لحظه می رود ) تحت پوشش بیمه بیکاری قرار بگیرند" در انتهای نامه کارگران خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده اند.

### حرکت اعتراضی بیکاران در شوشتار

هزاران تن از بیکاران و افراد جویای کاردرشوستر که برای کار و استخدام به شرکت کشت و صنعت کارون مراجعت کرده بودند ، و هیچگونه کاری به آنان واگذار نشده بود، دست به اعتراض زدند. این بیکاران که مدت‌هاست در جستجوی کار می باشند و هیچکس خودرا درقبال اشتغال آنان مسئول نمیداند و از تامین حداقل مخارج زندگی و حق بیمه بیکاری نیز محروم‌اند، درادامه اعتراض خود به محل کارخانه این شرکت حمله کرده و شیشه در و پنجه های آن

### اعتراض کارگران شرکت صنایع بسته بندي

حدود ۲۰۰ تن از کارگران شرکت صنایع بسته بندي، دراعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد و مزایای کارگران دست به اعتراض زدند. گفته می شود که کارگران توأم با این اعتراض دست به اعتراض غذا زدند.

### اعتراض فولاد مبارکه

روز یازدهم اردیبهشت ماه، کارگران مجتمع فولاد مبارکه دست از کار کشیدند. کارگران اعتضای صمن طرح پاره ای از خواسته ای صنفی، نسبت به تقاضا فاحش رقم پاداش کارگران و مدیران اعتراض کردند.

### اعتضای کارگران کارخانه آزمایش مرودشت

در اوخر اردیبهشت کارگران کارخانه آزمایش مرودشت به عنوان اعتراض به عدم پرداخت حقوق و پاداش، شرایط کارو مدیریت کارخانه اعتضاب کردند. نیروهای سرکوب دولتی براي پایان دادن به اعتضاب تعدادی از کارگران را دستگیر و زندانی نمودند.

### اعتراض کارگران سمنان

جمع زیادی از کارگران واحدی تولیدی و صنعتی سمنان، روز سه شنبه بیست و یکم اردیبهشت ماه با برپایی یک تجمع اعتراضی در محل خانه کارگران استان، نسبت به تصمیم مسئولین براي واگذاري بیمارستان تامین اجتماعی ، شدیداً اعتراض کردند. قابل ذکر است که مسئولین دولتی با ساخت و پاخت با نمایندگان سمنان در مجلس، تصمیم گرفته اند بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی تامین اجتماعی شده است، به استفاده از حق بیمه کارگران ساخته شده است، به یک بیمارستان آموزشی تبدیل کرده و آنرا در اختیار دانشگاه علوم پزشکی قرار دهدن. کارگران معتبر، در این تجمع اعتراضی به مسئولین هشدار داده و راه پیمائی و تظاهرات اعتراض آمیز کارگران کاشان را به آنان یادآوری کرده اند.

### احتمال اجتماع کارگران کارخانه گاز مایع اصفهان

کارگران گاز مایع اصفهان که مدتی است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، به عنوان اعتراض دربرابر استانداری اجتماع نمودند و خواهان پرداخت فوری حقوق و مزایای خود شدند.

### اجتماع کارگران شرکت جامکو

دهها تن از کارگران شرکت جامکو اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود در اواخر اردیبهشت جلوی زارت صنایع اجتماع نمودند و خواستار پرداخت دستمزد های معوقه شدند. متجاوز از ۱۱ ماه است که کارگران این شرکت حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. در نتیجه اعتراضات کارگران در سال گذشته، قرار شد که مبلغ ۲ میلیارد ریال براي حل معضلات این کارخانه و پرداخت حقوق کارگران اختصاص یابد. اما کارگران می گویند که این وعده عملی نشد.

## تهدید به بمب گذاری

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی الگودرن، در ارتباط با حمایت از یک برنامه موسیقی تهدید به بمب گذاری شد. ناشناسی در تماس تلفنی تهدید کرده بود در صورت اجرای برنامه موسیقی در این اداره بمب گذاری خواهد شد. قابل ذکر است که یک هفته قبل از آن نیز اتفاقیاری در برابر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خرم آباد رخ داد که یک نفر زخمی شد.

### \* چند خبرکوتاه

وزیرآموزش و پرورش درجلسه شورای آموزش و پرورش استان گفت، این وزارت خانه اسال درفصل اول پرداخت حقوق معلمان ۸۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه دارد. (رسالت ۱۶ اردیبهشت)

سرپرست دفتر اینمنی و ترافیک سازمان حمل و نقل اعلام کرد طی یک سال گذشته ۱۴ هزار و ۷۰۰ نفر (روزانه ۴۰ نفر!) در اثر حوادث رانندگی کشته شده اند.

محبوب گفت ۹۵ درصد واحدهای تولیدی دائر، یک شیفت است.

## موج گرانی و راه مقابله با آن

قرن زندگی کنند. علیرضا محجوب دیر کل خانه کارگر وابسته به جناح دیگر حکومتی نیز به نحو دیگری به این مطلب اعتراف می کند او می گوید "قدرت خرد کارگران در سال های اخیر دو سوم کاهش پیدا کرده و اختلاف فاحشی بین درآمد ها و هزینه های جامعه کارگری وجود دارد" و "بین درآمد ها و هزینه های جامعه کارگری دویست درصد فاصله وجود دارد" (کار و کارگران ۱۲ اردیبهشت ۷۸) این اعترافات کارگزاران رژیم نیز ابعاد فاجعه آمیز گرانی ها و افزایش نرخ تورم و نیز و خامت اوضاع معیشتی کارگران و سایر اشتراکم درآمد و زحمتکش جامعه را بازتاب می دهد و نشان می دهد که اکثریت عظیم مردم با چه فقر و فلاکت و گرسنگی کم سابقه و کشنده ای دست به گریبان می باشند. این موضوع بقدرتی حاد شده است که سران رژیم بار دیگر به یاد مبارزه با گرانفروشی و گرانی افتاده و داستان کهنه شده کنترل و نظارت بر قیمت ها را پیش کشیده اند. اما کارگران و سایر اشتراکم زحمتکش ایران کسال هاست از این دست ادعاهای پوچ و عوامگرانی رژیم را چه در دوره نخست و زیری موسوی و چه زمان ریاست جمهوری رفسنجانی شنیده اند، اکنون دیگر از طرح مجده این بازهای مسخره حاشاشن بهم می خورد و دیگر فریب اینکوه دودوزه بازیها و ریالکاری ها را نمی خورند. کارگران و عموم توده های زحمتکش به تجربه دریافت اند مادام که رژیم جمهوری اسلامی هست، اوضاع بر همین منوال است و نه فقط بهبودی به نفع انان حاصل نمی شود، بلکه اوضاع روز بروز و خیم ترهم می شود. آنان این مسئله را دریافتند که برای پایان دادن به این مصائب و بدختی ها و ایجاد یک تحول کیفی در اوضاع اقتصادی و معیشتی خود، قبل از هرجیز باید کار این رژیم را یکسره کنند و اساساً به همین منظور است که دارند در ابعادی گستردۀ وارد میدان می شوند.

## بیکاری و رکود در کرمانشاه

رئیس اتاق بازرگانی استان کرمانشاه اعلام کرد از ۴۰۰ واحد صنعتی موجود در استان، ۲۰۰ واحد بکلی تعطیل شده اند. وی نرخ بیکاری در این استان را ۲۴ درصد ورق بیکاران ثبت نام شده را ۸۰ هزار نفر قید نمود. در زمینه کشاورزی نیز نامبرده چنین عنوان کرد که از ۷۵۰ هزار هکتار اراضی مستعد کشاورزی استان، تنها حدود ۲۰ درصد زیر کشت قرار دارد.

### مرگ دلخراش ۵ کارگر

کارگر جوانی بنام ابوذر غفاری، در حین کار در یک ساختمان، به علت ریزش دیوار زیر خوارها خاک مدهون شد و جان خود را ازست داد. کارگر جوان دیگری بنام جلیل حسینی نیز در حین کار در یک ساختمان از طبقه هجدهم سقوط کرد و دردم جان سپرد. این کارگر فقط ۲۲ سال داشت. کارگر جوانی که در حال حفرچا بود، براثر اتصال سیم های دستگاه حفرچا، دچار برق گرفتگی شدید شد و پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد. همچنین روز جمعه ۲۴ اردیبهشت، دو کارگر بنام عارف امامی ۳۰ ساله و رضا شاهی ۲۰ ساله که در عمق ۷ متری در محل گود برداشی مشغول به کار بودند، در اثر فرو ریختن دیوار آجری جان خود را ازدست دادند.

### واگذاری صدھا کارخانه و طرح صنعتی به بخش خصوصی

در ادامه واگذاری کارخانه ها و شرکت های تولیدی دولتی به بخش خصوصی، اسامی و مشخصات ۲۰۷ کارخانه و طرح صنعتی دیگر که بایستی در سال جاری به بخش خصوصی واگذار شود اعلام گردید. سهام متعلق به سازمان صنایع ملی ایران در ۵۵ کارخانه تولیدی و ۱۶ طرح صنعتی، سهام متعلق به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران در ۴۲ کارخانه تولیدی و ۱۶ طرح صنعتی و همچنین سهام متعلق به بانک صنعت و معدن در ۷۶ واحد تولیدی و ۷ طرح صنعتی، مجموعه سهامی است که برای واگذاری آن به بخش خصوصی در سال ریالت ۱۵ اردیبهشت، مشروح شده است. روزنامه رسالت ۱۵ اردیبهشت، مشروح اسامی این واحدها و طرح ها را در سراسر کشور به چاپ رسانده است. برخی از این واحدها که در تهران قرار دارند از این جمله اند: آجربافتات، آجر سفالین، صنایع شیر ایران، چرم درخشان، ویتان، بافکار، ممتاز، گروه صنعتی ملی، گروه صنعت وین، لوله و ماشین سازی ایران، صنایع معدنی پارس، ایران خودرو، ایران کاوه، گروه صنعتی خاور، سایپا، شهاب خودرو، پارس خودرو، زمیاد، صنعتی خودرو سازان، چرخشکر، ماشین سازی پارس، صنایع هوایی ایران و ... روشن است که دولت سرمایه داران، از طریق واگذاری مراکز تولیدی به بخش خصوصی برای نجات خود از بحران و در شکستگی و به منظور خدمت هرچه بیشتر به سرمایه داران و کار فرمایان، بیش از پیش دست آنها را در اخراج، بیکار سازی و تشیید فشار و استثمار کارگران باز می کنند و عملما زمینه اخراج دهها هزار کارگر دیگر را فراهم می کنند.

این نامه کارگران به تضییع حقوق خود در زمان اشتغال به کار و محرومیت از حق بهره وری، بن کارگری، شناسنامه کار و امثال آن اشاره نموده و خواستار باز گشت به کار و رسیدگی به مشکلات خود شده اند.

## کارگران همچنان اخراج می شوند

مدیر کل کار و امور اجتماعی استان مرکزی گفت پارسال ۱۲ هزار شکایت از سوی کارگران به هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف ادارات کار استان مرکزی ارجاع شده که از این تعداد ۶ هزار مورد مربوط به اخراج کارگران بوده که ۱۷۰۰ مورد آنها بازگشت به کارشده‌اند. وی همچنین افزود که درسال گذشته ۵۷۰ فقره حادثه ناشی از کار در واحدهای تولیدی و صنعتی استان مرکزی رخ داده که ۴۶ مورد آن منجر به فوت کارگران شده است.

### طرح بیکار سازی کارگران در مجلس

طبق اعترافات مقامات رسمی و وابسته به رژیم در صورت تصویب نهائی طرح خروج کارگاههای باکمتر از ۳ نفر کارگر از شمول قانون کار و تامین اجتماعی در مجلس، امنیت شغلی کارگران در استان های مختلف کشور در ۴۵ تا ۸۵ درصد از واحدهای تولیدی، بیش از پیش به خطر میافتد و عنقریب اخراج و بیکار می شوند. در استان آذربایجان غربی این نسبت حداقل ۵۰ درصد است، در خراسان ۶۹ درصد، فارس ۴۷، کردستان ۸۰، سیستان و بلوچستان ۷۵ و گلستان (گرگان) ۸۵ و در استان زنجان حدود ۷۰ درصد است. وزیر کار نیز در این مورد چنین عنوان کرد که طرح فوق، ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر و یک میلیون و ۹۰۰ هزار کارگاه را دربر میگیرد.

### انصار حزب الله سخنرانی لیرال ها را برهم زد!

مراسم سخن رانی عزت الله سحابی در داشکده پژوهشی داششگاه علوم پژوهشی اصفهان بهم خورد. این مراسم که از سوی انجمن اسلامی داششکده یاد شده ترتیب یافته و نزدیک به ۶۰۰ نفر در آن شرکت کرده بودند، به دلیل اعتراف و مخالفت چند ده نفر از افراد حاضر در جلسه و محادلات لفظی میان آنان و سایرین که در ادامه به درگیری های فیزیکی کشیده شد، برگزار نشد. در این جلسه در حالیکه نیروهای وابسته به انصار حزب الله شعار میدادند، "آزادی اندیشه با سوت و کف نمیشه" مرگ بر ضد ولایت فقیه، "عدمای نیز شعار مرگ بر طالبان"، "توب، شعار، انحصار دیگر اثر ندارد" سرداده بودند.

### کاهش سرمایه گذاری و تولید

معاون صنایع غیرفلزی اعتراف کرد که در سال گذشته سرمایه گذاری صنعتی ۴۰ درصد نسبت به سال ۷۶ کاهش یافت است. وی همچنین گفت که برخی تولیدات غیر فلزی نظری لاستیک خودرو، صابون، الیاف و تابس آکریلیک و نخ پلی استر بین ۴ تا ۱۷ درصد کاهش یافته است.

مشاغل کاذبی شده اند که هر روز تعداد آنها بیشتر میشوند. یکی از این مشاغل کاذب دستفروشی "غیر قانونی" است که در پاریس اغلب در مترو به چشم میخوردند. مدیریت متروی پاریس بخشی از کارگران خودرا به جماعت آوری بساط دستفروشان "نیقرانوی" که در راهروها و یا ورودی های مترو به کسب مشغولند، اختصاص داده است. در واقع متروی پاریس و سنتگاه دولتی بخشی از زحمتکشان را به جان بخش دیگری انداخته است.

صیح روز سه شنبه ۱ ژوئن ۱۹۹۹ یکی از کارگران متروی پاریس که برای جمع آوری بساط یکدستفروش اقدام کرده بود، مورد ضرب و شتم او قرار گرفت و روز بعد خبر درگذشت او اعلام شد. کارگران و کارگران شرکت مستقل حمل و نقل پاریس "در عرض کمتر از سه یا چهار ساعت در همبستگی با همکار خود از همان بعدازظهر روز سه شنبه است از کار کشیدند و تمام متروی پاریس که بیش از سیصد و شصت ایستگاه دارد و سپس تمام خطوط اتوبوس از حرکت ایستادند. این اعتضاب روزهای چهارشنبه و پنج شنبه حالت عمومی به خود گرفت، به طوری که درهای ورودی مترو کاملاً بسته بودند. در پنجشنبه کارگران و کارگران شرکتهای حمل و نقل عمومی شهرهای مارسی و لیون نیز در همبستگی با همکاران پاریسی خود دست به اعتضاب زدند. درحالی که سندیکاهای روز پنجشنبه در حال مذاکره با مدیریت بودند، گزارش کالبد شکافی اعلام نمود که مرگ مامور مترو ریطی به ضرب و جرح نداشته و اوردراثر یک بیماری درگذشته است. در این حال اعتضابی که قرار بودتا روز دوشنبه ۷ ژوئن ادامه پیدا کند، پنجشنبه شب، ۳ ژوئن پایان یافت ولی کارگران و ماموران مترو و اتوبوسرانی پاریس اعلام نمود که روز دوشنبه از ساعت ۱۳ و سی دقیقه تا ۱۷ دست از کار می‌کشند تا بتوانند در مراسم به خاکسپاری همکار خود شرکت کنند. در پی این اعتضاب و مذاکرات بین اتحادیه ها و مدیریت و دولت قرار شد که از این پس بیرونی های پلیس به جمع آوری بساط دست - فروشان پیدا نمایند، هشتاد پلیس و مامور امنیتی در متروبه کارگارده شوندو دستمزد روزهای اعتضاب کارگران و ماموران مترو و اتوبوسرانی به خوانده مامور درگذشته پرداخت شود. آنچه مسلم است این تصمیمات درد اساسی را دوا نخواهد کرد.

## مبارزات کارگران کمپانی نفتی "الف"

در آخرین هفته ماه مه مبارزات کارگران کمپانی نفتی "الف" هشتمین هفته خود را پشت سرگذاشت. این کارگران که در ماه فوریه دست به یک اعتضاب سه روزه با شرکت دوازده هزار نفر برای کاهش ساعات کار زده بودند (نگاه کنید به کار شماره ۲۲۳) اکنون اعتضابات، اعتراضات و تجمعات خود را بیش از پیش در اعتراض به اخراج ۱۳۲۰ کارگر پی میگردند. روز جمعه ۲۸ مه بیش از ۱۵۰۰ کارگر "الف" (که اخیراً قراردادی ۳۰۰ میلیون دلاری برای بهره برداری از منابع نفت دفتر مرکزی این کمپانی عظیم نفتی است) در محل دفتر مرکزی این کمپانی عظیم نفتی - با ۸ میلیارد فرانک فرانسه سود در سال گذشته گردآمدند. در این روز هیئت رئیسه "الف" جلسه داشت. کارگران خشمگین با پرتاب ترقه، پخش گزارش های مالی مربوط به کمپانی، پرتاب موادی

سازیها، بدون شکر و نفر اخراج سازیها باعث بیکاری هزاران نفر کارگر خواهد شد و از مقامات دولت خواستند که امینیت اشتغال کارگران را تضمین نماید. برای مقابله با اعتضاب شکنان، کارگران مدخل ورودی به بنادر را اشغال کرده واز ورود و خروج آنان جلوگیری کردند.



## شرایط غیر انسانی کار در کشورهای حاشیه خلیج فارس

هر ساله هزاران نفر کارگر مهاجر از پاکستان، هند و کشورهای جنوب شرقی آسیا های کشورهای حاشیه خلیج فارس میشوند تا با کار طاقت فرسا و درآمد ناجیز ایzen راه، زندگی خود و خانواده خود را تأمین نمایند. این کارگران که اغلب از مناطق روستائی و محروم کشورهای خودمی آیند، مهاجرت به کشور های حاشیه خلیج و کار در شرایط غیر انسانی را تنها ها ممکن برای ادامه زندگی خود می یابند. آنان هم در کشور خود و هم در کشور میزبان از حداقل حقوق انسانی و اجتماعی محروم بوده و فقiran در این تشکل صنفی در کشورهای میزبان، خود عاملی برای تشدید زورگوئی کارفرما و تضییق حقوق آنان است. اما کار طاقت فرسا و دستمزد ناجیز تنها مشکلی نیست که گریبانگیر این کارگران است. به نوشته روزنامه "اخبار خلیج" در امارات متحده عربی، این دسته از کارگران دائم توسط کارفرما مورد آزار و اذیت قرار میگیرند. یکی از این موارد، عدم پرداخت دستمزد از سوی کارفرما است. در این شرایط، کارگران مستحصل مانده و هیچ اقدامی نمیتوانند در این زمینه انجام دهند. فقiran حداقل تشکل و آگاهی و حاکمیت قوانین قرون وسطایی در کشورهای حاشیه خلیج، عرصه را بر این کارگران چنان تنگ میکنند که برخی از آنان تنها راه خلاصی از زورگوئی های کارفرما و نگرانی از مرگ فرزندان در اثر گرسنگی را در خودکشی و از بین بردن خود میگیرند. این به نوشته همین روزنامه، تنها در ۲ ماه اخیر، ۱۳ کارگر مهاجر دست به خودکشی زده و به زندگی خود پایان داده اند. اما این کارگران هنگام خودکشی نیز مشکلات مالی خود و خانواده های گرسنگ خود را فراموش نکرده و به این دلیل یکی از راههای متدالو خودکشی در میان کارگران مهاجر پرتاب خود به زیر چرخ اتوموبیلهای در حال حرکت است. در این صورت راننده اتوموبیلی که منجر به قتل این کارگر شده موظف به پرداخت خون بهای مقتول به خانواده خواهد بود.

## اعتضاب در متروی پاریس

بیکاری یکی از مصائب عظیم اجتماعی است که نظام سرمایه داری نه میخواهد و نه میتواند به حل آن پردازد. در فرانسه تعداد بیکاران طبق آمار رسمی حدود سه میلیون نفر میباشد که تقریباً دوازده درصد جمعیت فعلی این کشور را تشکیل میدهند. اما اگر تعداد کسانی که کارهای نیمه وقت دارند و یا با قراردادهای موقتی و اغلب با دستمزدهایی که نام "دستمزدهای فقر" را گرفته اند، به این ارقام بیافزاییم، آمار واقعی بیکاران به رقم دهشتتاک شش میلیون نفر میرسد. این وضعیت موجب افزایش

## اعتصاب کارگران در رومانی

اوخر ماه آوریل بیش از ۲ میلیون نفر از کارگران رومانی دست به یک اعتضاب ساعته زدند. این اعتضاب در واقع هشداری بود به دولت این کشور برای قطع فوری سیاستهای اقتصادی خود. در این حرکت، کارگران به دولت هشدار دادند در صورت عدم تحقق خواسته هایشان دست به یک اعتضاب و محروم کشورهای خودمی آیند، مهاجرت به کشور های حاشیه خلیج و کار در شرایط غیر انسانی روز ۲۴ مه، دهها هزار نفر کارگر مجدداً دست از کار کشیده و اینبار کارها را به مدت ۲۴ ساعت تعطیل کردند. در این روز هزار نفر از کارگران در شهر های مختلف رومانی دست به افزایش حقوق آنها توقف فوری خصوصی سازیها و افزایش هزینه های رفاهی برای کارگران شدند.

## اعتضاب معنچیان در لهستان

روز ۲۴ مه، صدها معنچی خشمگین در اعتراض به وضع نابسامان اقتصادی و تصمیم دولت مبنی بر تعطیل بیش از ۲۰ معدن که منجر به بیکاری ۶۰ هزار معنچی خواهد شد، به ساختمان وزارت دارایی این کشور در شهر ورشو حمله برده و ساختمان این وزارت خانه را به اشغال خود درآوردند. کارگران در این حرکت خواستار افزایش کمکهای اقتصادی دولت به معادن این کشور شدند، که به بهانه زیان آور بودن در آستانه ورشکستگی قراردادند. آنان از وزیر کارخواستند که حمایت دولت از کارگران بیکار را افزایش دهد. در صورت تحقق تصمیمات دولت تا سال ۲۰۰۱ تعداد کارگران معن دهین کشور به ۱۴۰ هزار نفر کاهش خواهد یافت.

## اعتراض کارگران در جمهوری دومینیکن

در اعتراض به فشارهای فزاینده و کمرشکن اقتصادی روز ۱۸ مه، هزاران نفر از کارگران در جمهوری دومینیکن به دعوت اتحادیه های کارگری این کشور دست به یک اعتضاب ۲۲ ساعته زدند. در این روز کلیه مدارس، مراکز تولید، مراکز تجاری و ادارات دولتی در شهرهای مختلف این کشور تعطیل شد. اعتضابیون خواستار کاهش قیمت مایحتاج اولیه و افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم شدند.

## تعطیل بنادر در شیلی

روز ۱۶ مه، صدها نفر از کارگران بنادر در سراسر شیلی دست به یک اعتضاب نامحدود زدند. این اعتضاب در اعتراض به فقiran امینیت شغلی کارگران انجام گرفت. کارگران اعلام نمودند که با آغاز روند خصوصی

## جنبه هائی از پیشینه جنگ اخیر در یوگسلاوی

داشت. از همین روزت که شاهدیم طی دوره اخیر، روگوا، آشکارا به نزدیکی به این جریان همت گماشته تا از رادیکالیسم موجود در میان صفوی این گروه بکاهد. قابل ذکر است که نیروهای بدنه UCK عمدتاً حامل گرایشات رادیکال اند. در بخش های ازرهبیری، کادرهای این جریان وارد مذاکرات و روابط سیاسی شدند که تا قبل از آن توسط روگوا پیش برده می شد. هیئت کوسوآئی اعزامی در مذاکرات "رامبویه" جریانات و گرایشات مختلف سیاسی را نمایندگی میکرد. با این که تا قبل از آن از UCK به عنوان "توريست" نام برده میشد، از آنها در این نشست ها دعوت شد و آنها ۵ نماینده داشتند. اتحادیه دمکراتیک کوسوو بهره بری "روگوا" ۶ نماینده و سایر جریانات اپوزیسیون حاضر در مذاکرات، در مجموع یک هیئت ۶ نفره به "رامبویه" اعزام داشته بودند.

شرکت نمایندگان جریانات اپوزیسیون در این مذاکرات، بیش از هرچیز به رسمت شناخته شدن این گرایشات سیاسی درسطح بین المللی بود. اما از سوی دیگر نشست مشترک این گرایشات غالباً منصاد، نتیجه سیاسی دیگری نیزداشت که آن نزول خواست استقلال کامل "کوسوو" به "استقلال پس از پایان سری اول مذاکرات، هیئت کوسوآئی از امضای قرارداد خودداری کرد. آمریکا و اروپا تهدید کردند که در صورت عدم امضای قرارداد، به بمباران دست خواهند زد. این در شرایطی بود که مخالفت با قرارداد، نه از جانب میلوسویج که از سوی گروه "کوسوآئی تبار" بود و این بدترین سناریوی ممکن برای ناتو محسوب می شد.

نکته قابل ذکر این است که گرایشات متعددی نیاز شرکت در این مذاکرات خودداری نموده بودند و این اقدام را "دامی" برای انحراف از مبارزات علیه میلوسویج و علیه تجاوز نظامی قلمداد کرده بودند. آنان اعلام داشتند که این مذاکرات، سدی در مقابل مبارزات برای استقلال واقعی خواهد بود. علاوه بر این جریانات، شخصیت های معروفی چون "اسماعیل کاداره" نویسنده آلبانیائی، توافق برخی گروهها با دول غربی را شرم آور توصیف کرده بودند. آنچه مسلم است این است که مجموعه شرایط فوق موجب گشت که علیرغم امضای قرارداد "رامبویه" از سوی برخی جریانات، سیاستهای ناتو موقبیتی نیابد و روئند اوضاع از دست آنها خارج شد. اقدام بعدی ناتو، بمباران یوگسلاوی، تلاشی برای جریان این شکست بود.

و خواه در کشورهای عقبمانده، احزاب مارکسیست لینینیست اقلایی یا وجود ندارند، ویا قادر رابطه تنگاتگ با طبقه کارگرند. لذا فعالیت روزنگرون برای ایجاد احزاب مارکسیست لینینیست صاحب نفوذ در جنبش کارگری، از وظائف عده و اساسی کمونیسته ادارسراسر جهان اعلام شد. در این بخش، بر ضرورت بمبارزه با تجدیدنظر طلبی تاکید شد. سیستان در محیطی بسیار صمیمی و رفیقانه برگزار شد ویا هنرنمایی گروه هنری حزب کار ترکیه که ترانه های بدبانه ای مختلف اجرا نمود، پایان یافت.

## انفجار در معدن ذغال سنگ در اوکراین جان ۳۰ معدنچی را گرفت

در نیمه اول ماه مه، در نتیجه انفجار در ریکی از معادن ذغال سنگ اوکراین، ۳۰ معدنچی کشته و بیش از ۴۰ تن شدیداً مجروح شدند. نبود امکانات و وسائل ایمنی طی سالهای گذشته موجب انفجار در معادن مختلف این کشور شده است.

## اعتراضات گستردۀ علیه نشست سران اروپا

در آستانه برگزاری نشست سران کشورهای اروپائی در آلمان، از روز ۲۹ مه، اعتراضات متعددی علیه سیاستهای اقتصادی، اجتماعی "جامعه مشترک اروپا" برگزار شد.

روز ۲۹ مه بیش از چهل هزار تن بدعوت اتحادیه های کارگری، گروهها و سازمانهای مترقبی و صلح دوست اروپا از نقاط مختلف راهی شهر کلن شدند. در این روز سیاستهای جنگ طلبانه دول اروپائی و جنگ در یوگسلاوی شدیداً محکوم شد. بیکاری و فقر از دیگر محورهای اعتراضی شرکت کنندگان بود. هزاران پلیس ضد شورش طی این روز در محل تظاهرات بسیج شده بودند.

روز چهارشنبه ۲ ژوئن نیز دهها تن از معتبرین یکی از مراکز و دفاتر اقتصادی و استهnte به "جامعه اروپا" در شهر کلن را مورد حمله داده و با خرد کردن درها و شیشه های آن، اعتراض خود را نسبت به "اروپای واحد" که جز قفر و بدیختی و جنگ، دستاوردهای نداشتند است، نشان دادند.

\*\*\*\*\*

## سینار سازمانهای کمونیست در پاریس

روز شنبه ۱۹۹۹ مه ۱ سینار یک روزه ای در یکی از شهرهای حومه پاریس به نام مالاکوف برگزار شد. سینار به اینکار دانشگاه خلقی ژرژ پلنزیز و به مناسب هشتمادین سالگرد تشکیل نخستین گنگره انترناسیونال سوم برگزار شد. در این سینار نماینده یا هیاتهای نمایندگی احزاب چپ از کشورهای فرانسه، الجزایر، آلمان، بلژیک، کامرون، گنگ، کره شمالی، ایتالیا، چاد، ترکیه و هند شرکت داشتند. از ایران نیز، سازمان ما به کفرانس دعوت شده بود و یکی از رفاقتی تشکیلات خارج سازمان در سینار شرکت داشت. نمایندگان لوکزامبورگ، لهستان، یونان، انگلستان، آمریکا، سوئیس و روسیه نتوانستند در سینار حضور یابند.

بخش اول سینار به ببرسی تاریخ انترناسیونال کمونیستی اختصاص داشت. در بخش دوم سینار، پیرامون ضرورت انترناسیونالیسم پرولتاری گفتگو شد. این بخش از سینار نسبتاً بحث انگیز، و به شدت تحت تاثیر سال‌الروز یعنی تجاوز نظامی ناتوبه یوگسلاوی بود. در این بخش از سینار بحثی در مردم ضرورت پایه گذاری انترناسیونال جدید را گرفت. برخی معتقد بودند که امکان این امر به فوریت وجود دارد. ولی نظر راکتریت این بود که بینانگذاری یک انترناسیونال کمونیست در شرایط فعلی مقوله نیست چرا که لازمه این امر وجود احزاب مارکسیست لینینیست با نفوذ در جنبش کارگری کشورهای مختلف جهان است. حال آنکه خواه در کشورهای سرانجام

که بوهای گاز در محل می پراکند و پرتاپ مخازن محظی آب و فریاد "زفره" ( مدیر عامل الف ) استعفا، استعفا "صدای اعتراض خود را چنان بلند کرد که مدیر عامل، جلسه هیئت رئیس‌های معاون که از نماینده کان کارگران در این بین گفت: "آقای رئیس، شما چگونه گوش شفافی برای مبارزات ملک اکنون هشت هفته است در شهرهای لاک، پو و پاریس ادامه دارند، ندارید؟ گفتگوی اجتماعی که شما مدعی آن هستید کجاست؟" از سوی دیگر در همین روز دادگاه شهر "پو" به خواست "زفره" که تقاضا کرده بود که کارگرانی را که یکی از مراکز کامپیوتري کمپانی "الف" را اشغال کرده بودند از محل بیرون کنند رای مخالف داده از اظهار داشت، از آنجاییکه این شکل حرکت قبله توسط کارگران اعلام شده بود جرئی از حق اعتراض آنان است ولذا اخراج آنان غیرقانونی است. روز جمعه ۲۸ ماه مه ۱۹۹۹ مه دیگر در همین شرکت "الف" بود که مبارزه متعدد و رادیکال کارگران شدیداً زیر فشار قرار گرفته اند.

## اعتراضات در مراکز تاریخی

مبارزات متحد کارگران و کارمندان موزه های گوناگون فرانسه که با استناد به وزارت فرهنگ این کشور گذشتند تقریباً در تمام مدت ماه مه ادامه پیدا کردند و موج مبارزه ای از موزه ها جمله لور، کاخ ورسای، موزه های پاریس، پانتهون وغیره شدند. کارگران موزه های خواهان تبدیل قراردادهای کار موقتی به دائمی و ایجاد مشاغل جدید هستند که به گفته آنان در مراکز فرهنگی به اندازه کافی وجود ندارند.

## اعتراض کارگران و کارگران بخشن خدمات در هلند

از روز ۱۵ ماه مه، هزاران تن از کارگران و کارگران بخش خدمات دولتی در شهرهای مختلف، دست به اعتراض زدند. نخست راندگان و ساٹ ایلیمی عمومنی به نوبت در شهرهای روتردام و اوترخت دست از کار کشیدند. پس از آن کارگران بخش نظافت و جمع آوری زباله، از روز ۲۲ مه، با خواست افزایش دستمزد، اعتراض خود را آغاز کردند، سپس این اعتراض گسترش یافت و شهرهای آمستردام و روتردام را فراگرفت. کارگران نظافتی خواهان افزایش سالانه دستمزدها به میزان ۲/۵ درصد بودند. در حالی که کارفرمایان تنها با افزایش ۵ درصد، طی سه سال موافقت داشتند. در پی مذاکرات متعدد و پیگیری کارگران در تحقق مطالباتشان، پس از ده روز و در شرایطی که شهرهای بزرگ روتردام و آمستردام را کوهی از زباله فراگرفته بود، کارفرمایان سرانجام مجبور به پذیرش خواست اعتمادیون شدند.

## اعتراضات کارگری در سورینام

در نیمه دوم ماه و همزمان با گسترش مبارزات درونه ای علیه دولت حاکم بر سورینام، موجی از حرکات و اعتراضات کارگری این کشور را فراگرفت. روز ۳۱ ماه مه بیش از چهل هزار تن از کارگران و زحمتکشان در اعتراض به فقر فزاینده، باراهمیتی وسیع در "پاراماریبو" خواهان برگناری رئیس جمهور این کشور شدند.



## اولتیماتوم وزارت اطلاعات به مخالفین



## سرمایه داران و دولت آنها با جان کارگران بازی می کنند

روز گذشته در حالی که کارگران صنعت نفت اهواز در حمل مرتب یک حمله انتقال گاز بودند، در نتیجه انفجاری که بوقوع پیوست دهها کارگر دچار سوختگی و خدمات شدید شدند.

روابط عمومی وزارت نفت اعلام کرد که تعداد ۴۰ تن از کارکنان دچار سوختگی سطحی شدند و تعداد دیگری که گفته می شود متجاوز از ۳۰ نفر می باشد، به علت شدت سوختگی به بیمارستان صنعت نفت تهران انتقال یافتدند.

وقوع این حادثه در صنعت نفت، نه اولین و نه آخرین حادثه از این نوع است. در طی چند سال گذشته، کارگران صنعت نفت مداوماً با حوادث متعدد ناشی از کارو گاه حوادث بسیار خطناک روپرور بوده اند. در همین یک سال گذشته، دهها تن از کارگران صنعت نفت، در جیان چند حادثه جان باختند و یا شدیداً مصدوم شدند.

وزارت نفت به روال سابق این بار هم اعلام نمود که هیئتی را مامور بررسی علل و قوع این آتش سوزی کرده است. اما تا کنون هیچ گام عملی برای جلوگیری از این حوادث برداشته نشده است. علت این حادثه نیز همانند حوادث گذشته روشن است و آن عدم اینمی محیط کار، فقدان امکانات اینمی و نبود ضوابط و موارزین لازم برای این سازی محیط کار است.

جمهوری اسلامی در هر سال میلادی داراً حاصل درسترنج کارگران نفت را به جیب می زند، اما حاضر نیست، بخش ناچیزی از درآمد نفت را صرف اینمی سازی محیط کارکند. لذا به علت سطح بسیار نازل اینمی محیط کار، مداوماً حوادث ناشی از کار رخ می دهد و گروه کروه کارگران این صنعت جان می بازند و یا مدام العمر علیل می شوند.

البته این وضع تنها مختص کارگران صنعت نفت نیست. تمام کارگران ایران مداوماً با خطرات ناشی از حوادث و سوانح ناشی از کار روپرور هستند. برطبق آمار رسمی، در هر سال ۱۰ هزار تن از کارگران ایران در اثر حوادث ناشی از کار جان می بازند و ۱۵ هزار حادثه خطناک برای کارگران اتفاق می افتد.

این وضع اسف بار و فاجعه بار نتیجه حرص و آر سرمایه داران و دولت آنها برای کسب هرچه بیشتر سود است. سرمایه داران و دولت آنها تا آنجا که می توانند از هزینه های مربوط به اینمی سازی محیط کار و وسائل اینمی می کاهمند تا سود خود را افزایش دهند. این افزایش سود به قیمت جان کارگران تمام می شود. اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی نیز به تداوم این وضع کمک کرده است. کارگران ایران از داشتن تشکل های مستقل و علنی محروم اند، لذا نمی توانند بشکلی منسجم و مستشکل در برابر این اقدامات دولت و کارفارمایان بایستند و خواهان کنترلی جدی برایمی محیط کارشوند. لذا سرمایه داران به زورگویی و جنایات خود ادامه می دهند. راه دیگری جز تشکل و مبارزه کارگران برای مقابله با این وضع نیست. کارگران تنها با ایجاد تشکل و یک مبارزه مشکل می توانند جلو این فجایع سرمایه داران و دولت آنها را بگیرند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
سازمان فدائیان (اقیلت)  
۱۳۷۸/۲/۱۲

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی  
مرگ بر نظام سرمایه داری  
زندگی باد سوسیالیسم  
سازمان فدائیان (اقیلت)  
۱۳۷۸/۳/۳

## تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۹)

نهادن، با بورژوازی سازش کردند، در آغاز دست به یک اتحاد پنهانی با آن زدند و با اغاز جنگ اتحاد علیه با بورژوازی را جایگزین اتحاد پوشیده کردند.

(ادامه دارد)

### منابع :

- ۱- ۸، ۲۱ جلد ۲۱ مجموعه آثار لنین - سوسیالیسم و جنگ
- ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ - مبارزه لنین برای یک انترنسیونال انقلابی - استناد ۱۶ - ۱۹۰۷
- ۹ - جلد ۲۱ کلیات آثار لنین - موقعیت و وظایف انترنسیونال سوسیالیست
- ۱۲ - امپریالیسم بمثابه بالاترین مرحله سرمایه داری - لنین - ترجمه فارسی

نظم موجود شد و به عامل پورژوازی در جنبش کارگری تبدیل گردید که در برخی کشورها نظریه امریکا مستقیماً از بورژوازی رشوه می گرفت و مبارزه کارگران را به دایره مناسبات موجود محدود می کرد. رهبری اتحادیه آمریکائی کار و استنده به گامپرز نمونه کاملی از فساد و رشوه خواری بوروکراسی کارگری بود. بوروکراسی کارگری که در تمام کشورهای پیشرفت سرمایه داری در نهضتین سالهای قرن بیست و شدیداً رشد کرد و قدرت گرفت و در برخی کشورها نظریه بریتانیا ریشه های دیرینه ای داشت، یکی از سرمنشاء های اصلی اجتماعی رشد اپورتوئیسم در درون احزاب سوسیال دمکرات انترنسیونال دوم بود. بنابراین روشن است که رشد اپورتوئیسم و رفرمیسم در انترنسیونال دوم و جنبش بین المللی طبقه کارگر زمینه های اجتماعی و طبقاتی مشخص داشت. بدون علت نبود که احزاب سوسیالیست تدریجاً انقلاب اجتماعی سوسیالیستی و شیوه های انقلابی مبارزه را کنار

لاریجانی در جریان یک سخنرانی در قزوین، جناح طرفداران خاتمی را مورد حمله قرار داد و از جمله چنین گفت: "همین حضراتی که امروز برای خشونت ناراحت هستند، دردهماول انقلاب، درهمنی وزارت اطلاعات، هر کس مخالف آنها حرف میزد او را به صلاهه می‌کشیدند". ربیعی در پاسخ بهوی به دفاع همه جانبی از وزارت خانه کشتارو جاسوسی موسوم به وزارت اطلاعات برمیخیزد و مدعی میشود که نه تنها دراین وزارتخانه کسی از میان خودی‌ها را به صلاهه کشیده نشده بلکه حتی یک سیلی نیز به "معاندین" زده نشده است.

او در دفاعی‌خوداز وزارت اطلاعات مینویسد: "آنچه هدف این سیاهه دردمدانه است، دفاع و جانبیاری از شریف ترین و پرکارترین افرادی است که در روزها و شب‌های بی‌نام و نشان، به تنهایی و در محاصره اربابان زر و زور و تزویر خارجی و بعض‌داخلی به صیانت و حمایت از گوهرهای بزرگی چون انقلاب، اسلام و کشور از جوانی به پیری رسیدند"؛ او پس از این دفاع از شکنجه‌گران وزارت اطلاعات، کسانی را که دربی قتل نویسندها و مخالفین سیاسی، به این دستگاه سرکوب اعتراض کرده بودند، مورد حمله قرار میدهد و میگوید: "همین دیروز به بهانه چند فرد خودسر، هر که هرچه دردی ترک داشتند بر سراین وزارت مظلوم ریختند". و در پایان نیز مدعی میشود که: "امام حتی سیلی بدشتم را بربنی تافتند و کارمندان حتی برای بازجوئی معاندین باوضو بر سرکار حاضر می‌شدند".

مدافع جامعه مدنی و آزادی نوع خاتمی در حالی این ارجیف را بربان می‌آورد، که هنوز دهها هزار تن از قربانیان این دستگاه شکنجه، کشتار و سرکوب زده‌اند. امثال ربیعی و حجاریان کددوران حاکمیت و حشیانه ترین شیوه‌های شکنجه و کشتار مردم ایران در راس وزارت اطلاعات قرارداشتند، با این ارجیف فقط خود را فریب میدهند و مردم ایران را. چطور ممکن است مردمی که یکی از اعضای خانواده آنها و یا بستگان و نزدیکانشان به زندان افتاده، شکنجه شده و اعدام شده است، این وحشی گریهای وزارت اطلاعات را فراموش کنند. امروز کمتر خانواده‌ای را میتوان سراغ گرفت که خود به نحوی از انجا یکی از بستگان و نزدیکانش قربانی سیاست سرکوبگرانه وزارت اطلاعات نشده باشد. ربیعی دروغ پردازی و یاوه سرائی خود را تا بدانجا پیش میرد که ادعا میکند خمینی "سیلی به متمم را بربنی تافت" همان خمینی جلایی که در یکروز فرمان کشتاردها هزار زندانی سیاسی را صادر کرد و وزارت اطلاعات تحت رهبری امثال ربیعی مجری این فرمان بودند و در طی چند روز اکثریت زندانیان سیاسی ایران را قتل عام کردند.

ربیعی با این دفاع خود از وزارت اطلاعات و وحشی گری‌های آن، نتیجواند واقعیت هارا قلب کند. تنها کاری که میکند این است که ماهیت دروغین آزادی خواهی، طرفداران خاتمی و خودی را برملا میسازد. او در همین حال بیش از پیش ماهیت ارتقای سران خانه کارگر را برملا میسازد. امانتها ربیعی نیست که پیکر از ارتقای و سرکوب دفاع میکند. هم مسلکان دیگر او نیز از همین قماش اند. خانم جلودارزاده یکی از سران خانه کارگر و عضو مجلس ارتقای هم اخیرمدعی شد که در ایران چیزی بنام تعیین میان زن و مرد وجود نداشته و ندارد. وی چند روز پیش در واکنش به محکومیت جمهوری اسلامی از سوی کمیسیون حقوق بشر بخاطر تبعیضاتی که در ایران نسبت به

دانشگاه آزاد، توسط نیروهای سرکوب رسمی وغیر

رسمی مورد تعرض و سرکوب قرار گرفتند. فشار به مطبوعات تشدید شد و در طی ۲ روز ۱۰ تن از مدیران مسئول نشریات صبح امروز، نشاط شدند. مدیران مسئول نشریات صبح امروز، نشاط ایران، خردان، آزاد، آریا، سردبیر سابق روزنامه منطق آزاد، در زمرة این افراد بودند. برخی از این افراد چند ساعت و گاه چند روز به زندان افتادند، و اغلب آنها سپرده شده‌اند و ثیقه‌های ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومانی عجالتاً آزاد شده تا بعداً در جلسه دادگاه حضوریابند. وزارت اطلاعات دریک بیانیه شدیدالحن که پس از ملاقات وارانه رهنمود از سوی خانمی، خانمی و ناطق نوری تدوین شد، مخالفین و معتبرین رژیم را مورد حمله قرار داد و تهدید به سرکوب و دستگیری نمود. در عین حال برای این که مساله کشتار اخیر نویسندها و مخالفین سیاسی را به باگانی سپرپار، تهدیدکردکسانی که بخواهد نظام اطلاعاتی را تضعیف کنند، با انهما مقابله خواهد شد. با اشاره به همین چند فاکت، روشن است که رژیم جمهوری اسلامی برنامه همه جانبی ای برای تشدید اختناق و سرکوب در دستور کار قرارداده و بخشا آن رانیز به مرحله اجراء آورده است.

از قوایع چند هفته گذشته چنین برمی‌آید که جمهوری اسلامی میخواهد عصره را حتی بر معتبرین بی‌آزار امثال جبهه ملی و نهضت آزادی تگ کند. روزنامه‌های موجود که تقریباً تمام آنها یا دولتی هستند و یا وابسته به یکی از جناههای آن نیز دیگر قابل تحمل نیستند. لذا در مدت پیش از کوتاهی مدیران مسئول تقریباً بخش اعظم آنها به دادگاه فراخوانده میشوند، تا از ترس مکومنیت، جرم و زندان، دیگر حتی کلامی انتقادی نداشته باشند. شواهد امر نشان میدهند که این تشدید فشار، اختناق و سرکوب، بخشهای انتخاباتی این شهادت را از مطبوعات و تعطیل کردن فعالیت نیمه رسمی برخی سازمانها و گروهها در دوران ماقبل انتخابات مجلس ارتفاع و در حین این انتخابات مربوط میگردد. این سیاست تشید اختناق و سرکوب در ماههای آینده نیز پیگیرانه تراز سوی رژیم دنبال خواهد شد.

## مشت نمونهٔ خروار

مشت‌ها و گروههای طرفدار خاتمی که برخود نام جبهه دوم خردان نهاده اند، ادعا میکنند که برخلاف جناح دیگر از آزادی و حقوق مردم دفاع میکنند و سیاست سرکوب مخالف اند. عملکرد این دستگات بوبیزه در دوران خمینی که نقش بیشتری در راکتیت داشتند، خلاف این ادعا را اثبات میکند. آنها در این سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و هنگامی که تمام آزادی ها و حقوق مردم مورد پورش قرار گرفت، مجری و پیش برندۀ این سیاست بودند. اما امروز هم برغم ادعاهای عریض و طویل‌شان، در هر موضع گیگی و حرکت علی نشان دیدهند که همان مترجمین گشته اند. یکی از این گروهها، سران خانه کارگراند که در عین ادعاهای پرطمطران خود مدافعان اجتماعی ترین سیاست اند. مجاهده اخیرمیر مسئول روزنامه کار و کارگر وابسته به خانه کارگراند که سابق براین معاون وزارت اطلاعات بود و اموروز هم مشاور امنیتی خاتمی است، با یکی از سران جناح رقیب، محمد جواد لاریجانی، پرده از ماهیت ادعاهای این گروه از طرفداران خاتمی را برداشت. محمدمجید

## نظارت همچنان استصوابی باقی خواهد ماند

و یا طرفدار مصدق باشد قبول نمی‌شود. "تا اینجا تکلیف "ملی گرایان" طرفداران مصدق و "سلطنت‌طلبانی" که با استحالت‌دردنی جمهوری اسلامی امیدپسندو به همین قانع مستند که چند تائی نماینده در مجلس ارتقای داشته باشد، به صراحت روشن شده است. می‌ماند داوطلبانی که "باخانی خوش و بش داشته" یا "پولی از جائی بست آورده" یا "ولايت‌فقيرا قبول نداشته باشد" اينها نيز تشخص اش برعهده شوراي نگهبان است و احتمالاً بيشتر شامل "خودي ها" یعنی ميشود که وابسته‌بجناههای سهيم در حاكمیت اند. بنابراین از هم اکنون جناح طرفدار خامنه‌ای روشن کرده است که به هیچ وجه حاضر نیست، مجلس را در اختیار رقب بگذارد، يا به محدود شدن حیطه اختیارات نهادها و ارگانهای وابسته به ولی فقیه گردن نهد. اما جناح مقابل که اکنون در پی موضع گیری خامنه‌ای عقب نشینی کرده است، راههای دیگری برای مقابله با نظارت است، راههای دیگری برای مقابله با کدولات‌برای اصلاح قانون انتخابات به مجلس فرستاده، قرار است در آينده مورد بحث قرار گيرد. اين لايحه هرچند که نظارت استصوابي را زير سوال نمغيرد، اما به هر حال خواهان اختیارات بيشتر برای وزارت کشور در پيش دارد. لايحه اى کشور و نتيجتاً محدودکردن اختیارات شوراي نگهبان است. به همین علت بعد بنظر ميرسد که به شكل کونوي آن تصويب شود. اين کشمکش‌ها به شكل جنگ فرسايشي ميان جناح ها باز هم ادامه خواهد يافت و دوباره هنگامي اوج خواهد گرفت که شوراي نگهبان و وزارت‌کشور برای بيشيرد سياست خود را استانه انتخابات مجلس تلاش کنند. در اينجا نيز يا طرفين برس سهمي که باید از کرسی های مجلس داشته باشند به توافق و سازش ميرسد و يا دوباره خاتمي چي ها در برابر حملات جناح رقب و از جمله خود خامنه‌اي مجبور به عقب نشيني ميشوند. نتيجه هر چه باشد، او لا\_ اين واقعيت روشن است که چيزی به نفع مردم تغيير نخواهد کرد و اين يك کشمکش جناحها برای كسب قدرت بيشتر است. ثانياً با دخالت هر چه بيشتر خامنه‌اي در نزاع جناهها درگيری های درونی حکومت، به درگيری مستقيم با خاتمي به نمایندگی از يك جناح، آدمي نیست که بتواندبا خامنه‌اي از گروههای شکاف‌های درونی اين جناح بيشتر خواهد شد. نتيجه هرچه باشد، شکاف دريلاً بيشتر خواهد شد و مبارزه مردم در خارج از حاكمیت نيز رشد و اعتلاً بيشتر خواهد يافت.

## تشدید اختناق و سرکوب

جمهوری اسلامی سیاست سرکوب و اختناق را تشديد کرده است. در يك ماهی که گذشت چندين گردهم آئی که از جانب گروههای ملي گرای وابسته به جبهه‌ملی، نهضت آزادی، و حتی گروه دانشجویی وابسته به مجمع روحانیون، با تائید رسمي وزارت‌کشور سازمان داده شده بود، مورد پورش و سرکوب قرار گرفتند. چندين تجمع دانشجویی نيز که از سوی دانشجویان دانشگاههای مختلف سازماندهی شده بود و بعضاً نيز حول خواستهای مشخص صنفی و رفاهی دانشجویی شکل گرفته بودند، نظیر تجمع اعتراضی دانشجویان

## جنبه هائی از پیشینه جنگ اخیر در یوگسلاوی

متن زیر ترجمه و تلخیص مطالبی است که در نشریات متعدد خارجی، از جمله هرالد تریبون و لوموند دیپلماتیک، پیرامون جنگ در یوگسلاوی درج شده است و جهت اطلاع خوانندگان منتشر میشود.

"رون رویدادها در کشوری که سایقاً به یوگسلاوی موسوم بود و امروز به کشورهای مختلف تقسیم گشته است. پیشینه قابل توجهی دارد. "کوسوو" ماحصل یکی از این تقسیمات است. آمریکا و کشور های اروپائی به پیوچه خواهان استقلالی "کوسوو" نبوده و نیستند. از همین رو آنها مذاکراتی را به که پیمان "رامبویه" معروف گشته است، علم کردند. صربستان طرح سیاسی "گروه رابط" (مشکل از آمریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس، ایتالیا و روسیه) را پذیرفت. این طرح ظاهراً استقلال پایه ای برای کوسوو را در چارچوب یوگسلاوی مظور کرده بود. این طرح همچنین انجام هرگونه رفراندمی را برای نظر خواهی توده ای، مردود شمرده بود. از سوی دیگر از کلیه نیروها و گروههای سیاسی مسلح در "کوسوو" خواسته شده بود تسلحاتی خود را تحويل دهدن. هر اس از استقلال کوسوو در واقع هراس از گسترش خواستی بود که در مقدموئیه نیز بطور بالقوه موجود بود. همین خواست یعنی خواست استقلال در میان صربهای ساکن بوسنی و هرزگوین نیز هست.

به ررو علیرغم گنجاندن کلیه مفاد فوق، "گروه رابط" علا قدر به اعمال هژمونی خود نشد. رابط این گروه در "کوسوو" ابراهیم روکوا، رهبر اتحادیه دمکراتیک کوسوو (LKD) بود. وی در سال ۹۸ به ریاست جمهوری کوسوو "برگزیده" شده بود. صربستان این انتخاب را غیررسمی وغیر قانونی خوانده بود. بسیاری از احزاب اپوزیسیون از جمله ارتش رهائیخش کوسوو (UCK) خواهان تحریم آن انتخابات شده بودند.

لازم به ذکر است که "روگوا" از فعالین جنبش طرفداری از صلح بود. طی مین مدت، ارتباطات وسیعی با دول غربی برقرار نموده و به لحاظ سیاسی، دفاع و پیشبرنده سیاستهای دول فوق بود.

از سوی دیگر، تشدید و خامت اوضاع در منطقه، به گسترش مبارزات مردم انجامید. جوانان بسیاری در کوسوو به صفوی مبارزات پیوستند. UCK وسیعاً رشد کرد. ناگفته نماند که "روگوا" که مهره ای بیش نبود، در آن هنگام از UCK به عنوان "دستاویز میلوسویچ" نام می برد.

UCK که جریانی است با گرایشات سوسیالیستی، در میان مهاجرین آلبانی در کوسوو طرق ران بسیاری دارد. آنان با مبارزات چریکی و عمدتاً در روستاهای، فعالیت خود را آغاز کردند. طبعاً با گسترش و رشد مبارزات، این گروه، به وزنه ای در معادلات سیاسی بدل شد. برای دول خارجی مسلم بود که بدون حمایت و درگیر کردن این گروه، مذاکرات و پیمان ها نتیجه ای نخواهد

سر پیشبرد سیاستهای خاتمی میان جناهای حکومت وجود داشته و دارد، در این عرصه یعنی سیاست خارجی وی تقریباً از حمایت تمام جناهای اصلی حکومت برخوردار شد. چراکه هماین جناهای بخوبی میدانند با وجود بحرانی که رژیم با آن روبرو است، میباید برای نجات خود به حمایت قدرتهای جهانی و منطقه ای متنکی گردد. مساله مهم در اینجا صرفاً حمایت سیاسی نیست، بلکه معضل جمهوری اسلامی در این مرحله بویژه معضل بحران اقتصادی است.

جمهوری اسلامی نیتواند بدون جلب حمایت قدرتهای امپریالیست جهان و صدور سرمایه های کلان انحصارات بین المللی کترین چشم اندازی برای تعديل بحران اقتصادی داشته باشد. مساله بحران اقتصادی رژیم چنان جدی است که در تلاش برای فائق آمدن برآن، رئیس جمهور حکومت اسلامی حتی حاضر شد در برای رقبی دیرینه جمهوری اسلامی یعنی سلطان عربستان که همواره از او به عنوان نوکر دست نشانده غرب یاد میکردند، زانو بزن، و مناسبات خود را ببود بخشید. بنابراین، خاتمی با حمایت تقریباً تمام جناهای حکومت، برای بهبود مناسبات جمهوری اسلامی با قدرتهای جهانی و منطقه ای تلاش نمود، و میتوان گفت در تنها عرصه ای که وی در طول دو سال گذشت موقوفیت هایی داشته، همین عرصه سیاست خارجی بوده است. اکنون مناسبات جمهوری اسلامی با دولتهای اروپائی تا بدان حد بهبود یافته که هر یک از این دولتها برای دعوت خاتمی از کشورشان میکوشند بیریگی سبقت گیرند. قراردادهای اقتصادی کلانی میان این دولتها و انحصارات آنها با جمهوری اسلامی معقد شده و فراتر از آن تبلیغات وارونه ای را به نفع جمهوری اسلامی آغاز نموده تا افکار عمومی را متعاقده سازند که اوضاع در ایران تغییر کرده و دیگر وضع گذشته حاکم نیست.

در منطقه خاور میانه و خلیج فارس نیز بویژه پس از سفر اخیر خاتمی به چند کشور عربی از دامنه تشنج های گذشته میان جمهوری اسلامی و شیوخ و سلطانی عرب کاسته شده و هردو طرف در تلاش اند، مناسبات را بهبود بخشند. اذ ا واضح است که خاتمی در عرصه سیاست خارجی توانسته است تا حدود زیادی رژیم را از انفاراد بین المللی نجات دهد و علاوه بر این حمایت بین المللی نیز برای آن دست و پا کند. اما مساله در این است که آیا پیش روی های رژیم در عرصه بین المللی می تواند نتایج ملموس تری برای حکومت به بار آورد و آنرا از بحران همه جانبه کنونی نجات بخشند. در وهله نخست باید گفت که پیروزی های جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی، نتیجه سیاست حمایت آمیز قدرتهای جهانی از خاتمی است که در تلاش اند بهر شکل ممکن او را به قدرت مسلط در حکومت اسلامی تبدیل کنند. از این رو آنها وابسته هستند، تا زمانی که سرمایه بین المللی کاملاً احساس امنیت نکند، نیتواند کمک چنانی به جمهوری اسلامی بکند. ثالثاً\_ کشمکش ها و منازعات رژیم میتواند در شرایط خاصی تمام آنچه را که خاتمی در این دوره پیشه کند. رابعاً\_ جمهوری اسلامی با آنچنان بحران داخلی در عرصه های اقتصادی- اجتماعی و سیاسی روبروست که هیچ عاملی نمی تواند او را از مخصوصه بحران موجود نجات دهد. پیشروی های خاتمی در عرصه سیاست خارجی داروی درمان بحرانی حکومت نیست و دیپلماسی معجزه نخواهد کرد.

زنان وجود دارد، سخن میگفت، ادعا کرد که در جمهوری اسلامی چیزی به نام تعییض وجود ندارد بلکه "دربرخی مسائل حقوق زن و مرد متفاوت است." اگر متفاوت بودن حقوق زن و مرد را تعییض بدانیم، پس باید در برخی مسائل حقوق زن و مرد را تعییض بدانیم. دارای حقوق و مزایای کمتری هستند، آن را نیز تعییض بدانیم. جلوه دار از اضافه کرد که "قوانین ما منطبق بر شرعاً مقس اسلام و با توجه به ویژگی های جسمی و روحی زن و مرد و نقش همان متفاوت آنهاست. به همین دلیل نیز در برخی از قوانین به زن و مرد به گونه ای متفاوت نگاه شده است." وی در پایان این مصاحبه نتیجه گیری کرد: "قوانینی که در جمهوری اسلامی ایران تصویب شده عموماً مختصمن عدالت بین اقشار مختلف جامعه زنان و مردان است." بعد این نظر میرسد که حتی خامنی، یزدی، خزعلی و امثال این مرجعین بتوانند با این گستاخی و بیشمرمی خانم جلوه دار از اضافه کرد که "قوانین زن و مرد را در ایران انکار کنند.

این موضع سران خانه کارگر، استثنائی در جبهه باصطلاح دو خرداد خاتمی نیست. همه آنها کمابیش همین موضع را دارند. موضوع گیری ها و سیاستهای خانه کارگر، مشت نموده خروار است.

## دیپلماسی معجزه نخواهد کرد

شکست عمومی سیاستهای جمهوری اسلامی که از مدته پیش با وضوح تمام آشکار شده است، تنها عرصه های مختلف سیاست داخلی را در برگرفته بلکه به سیاست خارجی رژیم نیز بسط یافته است. تا همین چند سال پیش، اساس سیاست خارجی رژیم را سیاست توسعه طلبانه پان اسلامیستی و تلاش برای استقرار دولتهای اسلامی دست نشانده در کشورهایی تشکیل میدار که مردم ساکن آنها به لحاظ اعتقادات مذهبی عمدتاً مسلمان اند. برمبانی این سیاست جمهوری اسلامی در طی تزدیک بددوده تلاش نمود با سازماندهی و حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی از جنبش ها، سازمانها و گروههای اسلامگر، به رویای استقرار یک امپراطوری اسلامی تحت زمامت خود جامعه عمل پوشید. اما از آنجایی که این سیاست با مقتضیات کنونی جهان هیچگونه هماهنگی و سازگاری نداشت، با شکست روبرو شد و تمام سرمایه گذاری جمهوری اسلامی در این زمینه دود شد و به هوا رفت. آنچه برای جمهوری اسلامی باقی ماند، مناسبات متینشج با دولتهای منطقه بود که آmag سیاست پان اسلامیستی جمهوری اسلامی بود که از این سیاست با مقتضیات کنونی جهان هیچگونه هماهنگی و سازگاری نداشت، با شکست روبرو شد و تمام سرمایه گذاری جمهوری اسلامی در این زمینه دود شد و به هوا رفت. آنچه برای جمهوری اسلامی باقی ماند، مناسبات متینشج با دول غربی بود که آmag سیاست پان اسلامیستی جمهوری اسلامی بود که این سیاست با مقتضیات کنونی جهان هیچگونه هماهنگی و سازگاری نداشت، با شکست روبرو شد و نتیجه قطعی، انفراد بین المللی جمهوری اسلامی بود. نقطه اوج این انفراد بین المللی و شکست همه جانبه سیاست خارجی رژیم محکومیت سران حکومت در دادگاه برلن بود که با بحران همه جانبه رژیم در داخل هم زمان گردید. خاتمی که بربست این بحران و شکست همه جانبه سیاستهای جمهوری اسلامی بر سر کار آمد، برای حل بحران های رژیم، تلاش همه جانبه ای در این عرصه آغاز نمود. او با شعار تشنج زدایی، اغازگر سیاست خارجی جدید جمهوری اسلامی شد. کوشید مناسبات جمهوری اسلامی را بادولتهای اروپائی و رژیمهای حاکم بمنطقه بهبود بخشند. اگر در زمینه سیاستهای داخلی، اختلافاتی کاه جدی بر

## یادداشت‌های سیاسی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه  
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

## نظرات همچنان استصوابی باقی خواهد ماند

با اسلام و امام ونظام درارکان قانونگذاری کشور انجام میشود."

طرفداران وی که از قبل، زمینه یک ضد حمله را به منظور مرغوب نمودن جناح مخالف نظرات استصوابی تدارک دیده بودند، یکرشته اقدامات تعارضی را آغاز نمودند. دستجات مختلف وابسته به این جناح در دستگاه روحانیت وارگانها و نهادهای متعدد دیگر، با ارسال طومار، گردهم آئی و راهپیمایی، حمایت خود را از بیانات ولی فقیه ابراز داشتند. این موج تعارضی چنان‌گستردۀ بود که حتی تعدادی از طرفداران خاتمی نیز در مجلس ارتجاع، نامه‌ای را امضا کردند که در آن اظهارات خامنایی در دفاع از نظرات استصوابی شورای نگهبان مورد تائید قرار گرفته بود. متجاوز از ۲۲۵ نماینده‌ای که این نامه را خطاب به خامنه‌ای امضا کردند، ضمن تعریف و تمجید از اعداء کردند که "در همه حکومت‌های مردمی و دمکراتیک اصل نظرات استصوابی" پذیرفته شده است. عقب نشینی گروههای طرفدار خاتمی در مورد این مساله چنان محسوس بود که دیگر کسی از لفو نظرات استصوابی سخن نکفت.

ناظق نوری که از عقب نشینی‌های جناح رقیب به وجود آمده بود، با خشنودی اظهار داشت: "به نظر من سخن رهبر معظم انقلاب جلوی بسیاری از تنشی‌های که احتمال داشت درآینده بوجود بیاید را گرفته و میگیرد. بنتظرم بسیاری از توطئه‌هایی که احتمالاً درآینده ممکن بود شکل بگیرد و یا پیش بینی میشود. شکل بگیرد در نفع خفه شد."

خژعلی، سخنگوی شورای نگهبان نیز با صراحة بیشتری به این نظرات خود پرداخت و گفت "شورای نگهبان وقتی در مورد مساله ای اظهار نظر میکند و میگوید درست است، دیگر تمام شد و گرفت" باطل است، تمام شد." وی که در جمع سپاه پاسداران سخن میگفت افزود: "اگر داوطلبی با خانمی خوش و بش داشته یا پولی از جائی به دست آورده، یا ولایت فقیدرا قبول نداشته باشد، ملیگرا و یا سلطنت طلب

صفحه ۱۴

در حالی که هنوز چند ماه به انتخابات مجلس ارتجاع باقی مانده است، از هم اکنون درگیری حادی میان جناحهای هیئت حاکمه برای سلطه براین ارکان دولتی آغاز شده است. طرفداران خاتمی که میدانند با وجود نظرات استصوابی شورای نگهبان، در دوره آتی نیز جناح رقیب اکثریت مجلس را به خود اختصاص خواهد داد، پس از ماجراهی استیضاح وزیر ارشاد که شکستی برای جناح مسلط محسوب میشد، دامنه تعرض خود را وسعت بخشیده و تبلیغات پرچمی را علیه نظرات استصوابی شورای نگهبان سازمان دادند و خواهان پیش لایحه‌ای را به مجلس فرستاده که هف آن محدود کردن حیطه اختیارات شورای نگهبان است. اما جناح مقابل به هیچ وجه برسر این مساله حاضر به عقب نشینی نیست. به این علت که اولاً بر افتادن نظرات استصوابی به از دست دادن قطعی مجلس خواهد انجامید. این جناح تنها در صورتی میتواند مجلس را در اختیار داشته باشد که شورای نگهبان، صلاحیت کاندیداهای وابسته به گروههای دیگر را رد کند، یا لائق اکثریت قابل ملاحظه باصلاح واجدین شرایط را از میان کاندیداهای جناح خود برگزیند. در غیر این صورت هیچ چشم‌اندازی برای پیروزی برگره های رقیب ندارد. ثانیاً محدودکردن حیطه اختیارات شورای نگهبان، تعارضی مستقیم به حیطه اختیارات ولی فقیه است و خامنه‌ای حاضر نیست، محدودیت قدرت و اختیارات خودمنهادها و ارگانهایی که وابسته به وی هستند پذیرد. ازین رو پیش از آن که درگیری جناحها بر سر نظرات استصوابی تا بدان حد پیش رود که دیگر نتوان مساله را کنترل کرد، خامنه‌ای خود را به مقابله با مخالفین نظرات استصوابی برخاست و دریک نقط شدیدالحنن جناح رقیب را از تلاش برای حذف نظرات استصوابی برحدراشت. خامنه‌ای در جریان دیدار با تعدادی از ناشرین، ضمن سخنواری خود گفت: "جنجال علیه نظرات استصوابی، یکی از مباحث بی مبنای و بی ریشه است که با هدف تضعیف شورای نگهبان و نفوذ دادن عناصر مخالف

I . S . V . W اطربیش  
Postfach 122  
Postamt 1061 , Wien  
Austria

I . S . F دانمارک  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

M . A . M سوئد  
Postbox 6416  
75139 Uppsala  
Sweden

Sepehry سوئیس  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

A . A . A فرانسه  
MBE 265  
23 , Rue L ecourse  
75015 Paris  
France

P . B . 22925 هلند  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

## شماره فکس

### سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail :

[info@fedaian-minority.org](mailto:info@fedaian-minority.org)



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 326 jun1999

سینکون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق